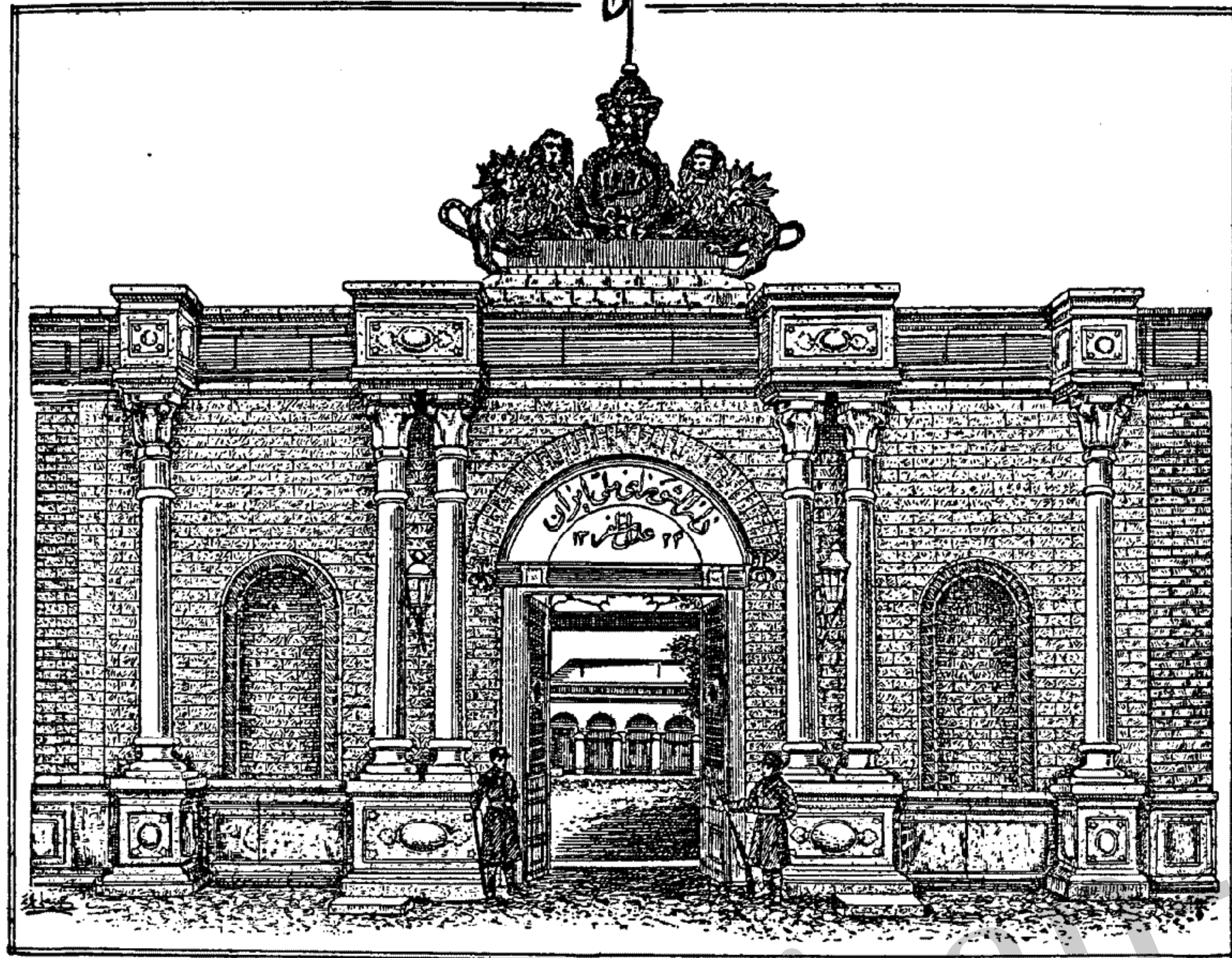


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۸۰</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۴۵</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه یکشنبه ۲۶ آذر ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۳ جمادی الثانیه ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخلة ايران ساليانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

فهرست مندرجات



مذاکرات مجلس دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يك شنبه ۲۶ آذرماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۳ جمادی الثاني ۱۳۴۶

جلسه ۱۸۰

(مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست)

آقای تقی زاده نایب رئیس تشکیل گردید)

(صورت مجلس يوم سه شنبه ۲۱)

آذرماه را آقای نکهبان قرائت نمودند)

غائبین جلسه ۱۷۷

آقایان : حاج علی اکبر امین - شبروانی - اسفندیاری

دولت‌شاهی - دشتی - شریعت زاده - ارباب کیخسرو

فرهمند - حاج شیخ بیات - میرزا عبدالحسین - محمود

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	بقیه شور نسبت بخر کمیسیون بودجه راجع بتعین اشل حقوق درجات قضائی و تصویب آن	۲۹۲۸	۲۹۶۰
۲	قانون تعیین رتبه های قضائی	۲۹۶۱	

رضا - دیوان بیکی - امیر اسدالله خان

غائبین بی اجازه

آقایان: اسدی - مرتضی قلیخان بیات - ذوالقدر
حاج میرزا حبیب الله امین - امام جمعه شیراز - اعظمی
نظام مافی - زارع - افسر - حاج حسن آقا ملک -
والی زاده - میرزا حسن خان وثوق - حاج غلامحسین ملک
دیر آمدگان با اجازه جلسه ۱۷۷

آقایان: امیر حسین خان - نجومی - آشتیانی -

دیر آمدگان بی اجازه

آقایان: جلائی - حشمتی - پالیزی - نوبخت -
مدرس - دکتر مصدق - زعیم - بحی خان زنگنه - بدر
غائبین جلسه ۱۷۸

غائبین با اجازه

آقایان: حاج علی اکبر امین - اعتبار - جلائی
دشتی - فرمند - حاج شیخ بیات
غائبین بی اجازه

آقایان ذی شرفان - اسدی - مرتضی قلیخان بیات -
ذوالقدر - امام جمعه شیراز - اعظمی - نظام مافی -
زارع - قوام - افسر - حاج حسن آقا ملک - والی
زاده - میرزا حسن خان وثوق - حاج غلامحسین ملک
امیر اسدالله خان

دیر آمدگان با اجازه

آقایان: شریعت زاده - یاسائی - نجومی - فرمند
محمود رضا - افخمی -

دیر آمدگان بی اجازه

آقایان: زوار - مهدوی - عباس میرزا - نوبخت
جلسه ۱۷۹

غائبین با اجازه

آقایان: حاج علی اکبر امین - دشتی - پالیزی -
ارباب کبکسرو - فرمند - ملک آرائی - میرزا
عبدالحسین - محمود رضا -

غائبین بی اجازه

آقایان: اعتبار - شیروانی - مرتضی قلیخان بیات

ذوالقدر - حاج میرزا حبیب الله امین - امام جمعه
شیراز - اعظمی - نظام مافی - زارع - قوام - افسر
حاج حسن آقا ملک - والی زاده - میرزا حسن خان
وثوق - حاج غلامحسین ملک - امیر اسدالله خان
دیر آمدگان با اجازه

آقایان: امیر حسین خان - نجومی

دیر آمدگان بی اجازه

آقایان: مهدوی - غلامحسین میرزا - جهانشاهی - افخمی - بدر

نایب رئیس - آقای زوار

زوار - بنده باحفظ اجازه تصور میکنم اسم بنده را
در جزء دیرآمدگان نوشته اند در صورتیکه هیچ سابقه
ندارد و بنده همیشه سر وقت حاضر بوده ام

نایب رئیس - آقای جلائی

جلائی - بنده کسالت داشتم و اجازه خواسته بودم
نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای شیروانی را در يك جا با
اجازه نوشته بودند و در جای دیگر بی اجازه نوشته
اند در جلسه ۱۹ یا ۲۱ آذر با اجازه نوشته بود و
سابق بر آن را نوشته بود بدون اجازه خواستم این
اصلاح شود

نایب رئیس - اصلاح میشود آقای اعتبار

اعتبار - در جلسه گذشته بنده مریض بودم و از
کمبسیون استعجازه کرده بودم

نایب رئیس - آقای عرقی

عراقی - آقای والی زاده جوانشیر را غائب بی اجازه
نوشته بودند چون مدعی است تلگرافاً استعجازه کرده
اند تلگرافشان را هم بنده بتوسط آقای رئیس مجلس
بکمبسیون عرایض داده ام خواست کمبسیون عرایض يك
توجهی بفرمایند و عرایضی که بکمبسیون می آید زودتر
رسیدگی بکنند که آقایان را بدون اجازه نموبند

نایب رئیس - آقای کلالی

امیر تاجور کلالی - راجع بصورت حاضر و غایب
سه جلسه قبل آقای مهدوی را غائب بی اجازه
نوشته اند در صورتیکه ایشان بواسطه مصیبتی
که بهشان وارد شده بود حاضر نشده اند و بتوسط
بنده هم استعجازه کرده بودند که شخصاً تقدیم مقام ریاست
کردم تمنا میکنم اصلاح شود.

نایب رئیس - صورت مجلس اعترافی ندارد

(گفتند خیر)

نایب رئیس - صورت مجلس تصویب شد

نایب رئیس - دستور موضوع لایحه راجع باشل قضا
است پیشنهادها قرائت میشود. پیش نهاد آقای
فیروز آبادی

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده واحده بطریق ذیل
اصلاح شود

ماده واحده حقوق قضا و صاحبمنصبان پارک و
مدیران دفاتر محاکم که دارای رتبه قضائی هستند بترتیب
ذیل مقرر است

۴۰	تومان	۱	۴۰
۷۰	تومان	۲	۵۰
۱۱۵	تومان	۳	۶۰
۱۵۰	تومان	۴	۷۰
۲۰۰	تومان	۵	۸۰
۲۵۰	تومان	۶	۱۰۰
۳۰۰	تومان	۷	۱۱۵
۳۵۰	تومان	۸	۱۳۰
۴۰۰	تومان	۹	۱۵۰
۴۵۰	تومان	۱۰	۲۰۰
۵۰۰	تومان	۱۱	۲۵۰

فیروز آبادی - عرض میشود از آنجائی که بنده
عقبه ام این است که در این مجلس بایستی حقوقات
گزارف اصلاح شود و طوری شود که صلاح حال این
ملت و مملکت باشد و بایستی مردم را از خود مان
خوشنود بکنیم که هیچوقت از ما دلتنگ نباشند و از
عملیاتمان راضی باشند این مملکتی که همه مان میدانیم
که غالباً فقیر بلکه نه عشرو نیم اهالی این مملکت
فقیرند به قسمی که قادر به قوت بومیه خودشان نیستند

در این مملکت هیچ سزاوار نیست که اینطور حقوقهای
گزارف از پنجاه تا هفتصد و هشتصد و هزار داده شود باید طوری
اصلاح شود که موافق صلاح مردم باشد مالیات بخورد
مالیات بده باید تناسب بینشان باشد و اگر اینطور نباشد
مضر بحال مردم است علاوه بر این این حقوق که برای
عدلیه میخواهید بگذرانید این زمینه خواهد شد برای
حقوق سایر وزارتخانه ها اگر اول حقوق عدلیه پنجاه
تومان باشد و برود بالا سایر وزارتخانه ها هم میگویند
مال ما هم باید همینطور تنظیم شود و آنوقت هر چه
فریاد کنیم که حقوق قضائی غیر از حقوق سایر ادارات
است هزار دلیل اقامه میکنند که خیر حقوق وزارتخانه ها
هم نباید همانطور بشود بنده به این نظریات است که
این پیشنهاد را کردم و امیدوارم آقایان در عرایض
بنده توجه بفرمایند اگر در صلاح مملکت است این
عرایض بنده را قبول کنند.

نایب رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - این اظهارات آقای فیروز آبادی برطبق همان
بیانات است که مکرر در این مجلس صحبت شده است
فرمودند که يك تناسبی بین مؤدی مالیات و مستخدمین
دولت باید باشد. اولاً آقا باید توجه بفرمایند که
مالیات را فقرا نمیدهند مالیات را از کسانی میگیرند
که دارا هستند تقریباً هفده کرور مالیات گمرک و هفت
هشت کرور مالیات سرحدی برای راه سازی است ...
فیروز آبادی - همین ها تحمیل میشود به فقرا

یاسائی - خیر به آنها تحمیل نمیشود به اشخاصی
که بیشتر واردات را مصرف میکنند تحمیل میشود ...
فیروز آبادی - خیر به فقرا تحمیل می شود آنها
مالیات میدهند

یاسائی - خواهش میکنم اگر يك موردی سراغ در بود
که مالیات را فقرا میدهند بفرمائید مالیات فقرا مالیات خانواری
و سر شماری و سرانه بود که لغو کردیم و مالیات ارضی

هم از نقطه نظر رفاه دهاقین امیدوارم ملغی شود اینک فرمودند اگر ما حقوق قضا را اضافه کنیم سایر مستخدمین وزارتخانهها هم مدعی اضافه حقوق خواهند شد این حق را ندارند برای اینکه قوه قضائیه همانطور که آقای مخبر فرمودند در عرض قوه مقننه و قوه مجریه است مطابق قانون اساسی شما مراجعه بفرمائید به مواد اختیارات محاکم با آن امتیازات و مزایایی که برای قضا قائل شده تصدیق میفرمائید که قاضی غیر از مأمور اداری است در وزارت عدلیه مستخدمین اداری خیلی هستند که هیچ مربوط بمستخدمین قضائی نیستند و جزء قضات محسوب نمیشوند قضات عبارت از اشخاصی هستند که در محاکم حکومت میکنند بین افراد بیکدیگر و بین افراد با دولت بالاخره قاضی که اقتدارات وزیر را دارد قاضی که منتظرید وکیل را بعد از سلب مصونیت محاکمه کند قاضی که پس از تصویب قانون محاکمه وزراء بایستی آنها را تحت محاکمه بکشد شما نمیتوانید به او حقوق کم بدهید. در اینجا از طرف بعضی از آقایان گفته شد که اضافه حقوق تأثیری در صحت عمل ندارد این بکلی اشتباه است بالاخره شما بعد از تحقیق تصدیق خواهید کرد که هیچ قانونی هنوز نتوانسته است جلو رشوه و ارتشاء را که يك امر مخفی است بگیرد عملاً اگر شما يك قانون سختی هم بنویسید وقتی که قضیه بمنصبه قضا رسید خیلی مشکل است ثابت شود آن کسانی که قضاوت کرده اند میدانند برای اینکه رشوه دهند و رشوه بگیرند علی نمي آیند کارهایشان را جلوه بدهند کارهای مخفی غالباً با استنطاق کشف میشود ولی این اصول خیلی مشکل است کشف شود برای اینکه وجوهی که بعنوان رشوه اخذ میشود عناوین مختلفه ممکن است پیدا کنند پس چه باید کرد؟ باید حقوقش را زیاد کرد و سابقه او را در نظر گرفت که این شخص يك آدم انسانی است که دزدی نمیکند یعنی جزء ازار است جزء نیکان است که عزت نفس اجازه ندهد که دزدی بکند پس

باید يك حقوق مکفی باو بدهند و الا قانون هیچوقت از عملیات آنها جلوگیری نمیکند قاضی که انتخاب شد بایستی مطمئن باشد که دزدی نمیکند سایر ممالک هم که يك حقوق گزافی به قاضی میدهند فلسفه اش همین است و بالاخره شما وقتی میتوانید از قاضی مطمئن شوید که عهده دار غار جش بشوید پس در اینصورت ما نباید قضا را با سایر مستخدمین مقایسه کنیم و این صحبتی هم که میشود که سایر ادارات هم پیدا میکنند ابدأ اینطور نیست مستخدمین اداری ولو مدیر کل هم که باشند باز هم مقامشان خیلی مادون از قاضی است قاضی، وکیل، وزیر اینها در عرض هم هستند.

نایب رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای فیروزآبادی آقایان موافقین قیام فرمایند (عده قلیلی برخاستند)

نایب رئیس - تصویب نشد پیشنهاد آقای باامداد باامداد - پیشنهاد بنده يك تبصره است که بعد از اینکه اصل گذشت باید ضمیمه شود.
نایب رئیس - پیشنهاد آقای عراقی (بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم پارکه دیوان عالی تمیز مرکب باشد از یک نفر مدعی العموم کل و یک نفر معاون اول و سه نفر معاون دوم عراقی - این پیشنهاد بنده توضیح مفصلی لازم ندارد چون سابق دیوان عالی تمیز مرکب از دو شعبه بود و حالا شعبش زیاد شده وقتی هم که شعبش زیاد شد البته بیشتر اعضا لازم دارد مثلاً وکیل عمومی که عبارت از معاون باشد بیشتر لازم دارد ماهم این صحبت هائی را که راجع به عدلیه میکردیم برای این بود که جریان کارها سریعتر باشد و این مسئله مسلم است که وقتی سه نفر معاون داشته باشد جریان کارش سریعتر است وزیر عدلیه - عرض میکنم این پیشنهادی که آقای

عراقی فرمودند رفع يك مشکلی را نمیکند برای این که فعلاً عده که در تبصره هستند همین است که اینجا نوشته شده منتها در آن موادی که راجع به تشکیلات نوشته شده ما عده را کمتر نوشتیم ولی در ضمن عمل دیدیم به اشکال بر میخوریم و مجبوریم بهمین عده اختصاص بیاوریم و فعلاً عده که در پارکه تمیز هستند همین است که ایشان نوشته اند و حالا هم مجبوریم که بهمین عده اشخاص اکتفا کنیم و اگر این تبصره بگذرد حقوق به آنها داده خواهد شد و اگر نگذرد نظر به اینکه در آن اصل تشکیلات هم عده کمتر نوشته شده است بنا بر این حقوق اینها را فعلاً نخواهند داد تا اینکه در کمیسیون عدلیه این تشکیلات تغییر کند و این عده قبول شود بنده تصور میکنم که اگر آقایان موافقت فرمایند که این عده را ما حالا لازم داریم حقوق این عده که سرکار هستند داده میشود.

مخبر - این پیشنهادات مجلس بعد از پیشنهادان هست که راجع به اصل است چون راجع به تشکیلات است اگر پیشنهادات دیگری راجع به اصل است آنها را مطرح فرمایند آنها که تمام شد آنوقت این پیشنهاد را مطرح کنند.

نایب رئیس - این را بعنوان تبصره پیشنهاد نکرده اند باید رأی بگیریم آقایانیکه پیشنهاد آقای عراقی را تصویب میکنند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای حاج میرزا مرتضی (اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم رتبه ۱۱ و ۹ حذف و سایر رتبه ها هم مطابق قانون استخدام حقوق آنها معلوم شود حاج میرزا مرتضی - بنده اولاً در هیچ جای دنیا تصور نمیکم که ترتیب رتبه هائی ده و یازده هم باشد از نه رتبه زیادتر نیست اگر باشد در يك ممالکی است

که دارای ثروت زیاد هستند که بنا مربوط نیست بنده تصور میکنم که اگر این لایحه اصل که آقای وزیر عدلیه آورده اند از این مجلس بگذرد عملاً به سایر ادارات اجازه داده میشود که آنها هم اختلاس سرقه کنند دزدی کنند تا اینکه آنها هم حقوقشان مطابق شود با حقوق اعضاء عدلیه برای اینکه از تمام مذاکرات و توضیحات و مجموع مدافعتی که از طرف آقای وزیر عدلیه و سایر آقایان موافقین میشود تنها دلشان این است که چیزی از این اختلاسات قضا و اعضاء وزارت عدلیه بشود معلوم میشود وزارت عدلیه از مأمورینی که آورده اند اطمینان ندارند که حقیقه اینها يك مردمان هستند که وقتی داخل کاری شدند برخلاف قانون کاری نخواهند کرد اگر منظور این است نده عرض میکنم که اگر ماهی دو هزار تومان به يك شخص مختلس بدهید باز هم عملیات خود را تعقیب میکند ممکن نیست حقوق زیاد جلوگیری از تقلب او بکند جلوگیری از تقلب مجازات می خواهد وقتی يك نفر دو نفر مجازات شدند دیگری تعقیب نمی کند و الا به بالا بردن اصل و حقوق زیاد دادن هیچوقت جلوگیری از اختلاس نخواهد شد دیگر اینکه تمام اشخاصی که دزدی و اختلاس میکنند همه در رتبه های بالا هستند و این رتبه های پائین که سی تومن و چهل تومن هستند این بیچاره ها هیچوقت موفق به اختلاسات نخواهند شد یعنی کاری در دست آنها نیست که بتوانند این کار را بکنند و قسمت عمده آنهاست که مختلسند هم رؤسای بزرگ که مدیر کل و رئیس دایره هستند که حقوق زیاد هم دارند پس ما با حقوق زیاد نمیتوانیم جلوگیری از اختلاسات بکنیم میفرمایند شأن قضات زیاد است زیرا باید وزراء را محاکمه کنند از این جهت باید حقوقشان زیاد باشد پس معلوم میشود حقوق زیاد آنها را قاضی میکنند بالاخره قاضی قاضی است ولو اینکه پنجاه تومن یا پانصد تومن باو بدهید

و حقوق زیاد باعث نمیشود که بکنفر قاضی بك وکیل یا بك وزیری را محاکمه کند بالاخره این دلیل نیست بعلاوه بك ضرری هم برای ما دارد و آن این است که فردا تمام افراد دوائردولتی شروع میکنند به بك کارهائی و بك اختلاس میکنند آنوقت میگویند شما ما حقوق کم میدیدما هم اختلاس میکنیم پس شما ما هم حقوق زیاد بدهید تا ما هم اختلاس نکنیم و این کاملاً بر ضرر مملکت است و بنده هیچوجه موافق نیستم و عقیده ام این است که این رتبه ده و یازده حذف شود و سایر رتبه ها هم مطابق قانون استخدام حقوق برایش معین شود و هیچ امتیازی در بین اینها نباشد

نایب رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- کم کم دارد نظامنامه و قانون اساسی از بین میرود و همچنین مشروطیت هم از بین میرود چنانچه آقایان که قائل انقلاب بوده اند میدانند که آن انقلابی که در ایران ایجاد شد تمام نظر به عدالت بشود هی فریاد میزدیم که ما عدلیه میخواهیم این اندازه عدلیه در نظر ما با اهمیت بود که تمام ماها عنوان مجلس شورای ملی و عنوان قوانین و اینها هیچ در نظر ما نبود اما تمام عنوان عدلیه و تأمین حقوق مردم در بین بود و در تمام ایران این صدا بلند بود یعنی مبداء انقلاب از طهران شروع شد و تمام ایالات و ولایات در آن انقلاب شرکت کردند و در این انقلاب اولی مملکت را از بك حاکمات دیگر سوق داد و کلای دوره اول ~~که~~ شکر الله مساعیدهم جیماً آمدند و بك زحمان کشیدند و دیدند که احساسات ملت نسبت به عدلیه چیست در موقعی که قانون اساسی را خواستند تنظیم کنند این قانون اساسی است که نوشته اند بنده ناچارم برای اینکه ما طرف افراط و تفریط نباشیم عرض کنم که قوه قضائیه فوق تمام ادارات است فوق مالیه است فوق معارف حالا حمله بمن نکنید که خیر مثل معارف است با مثل وزارت خارجه است خیر قوه قضائیه

• که عبارت از عدلیه باشد فوق تمام اینها است بدلیل مواد صریح قانون اساسی که بفرمایش آقای مدرس قانون اساسی رساله عمل ما است این مواد قانون اساسی است بنده ناچارم بخوانم بعد هم وارد میشوم در فرمایشات ناطق محترم ملاحظه بفرمائید قانون اساسی برای هیچیک از وزارتخانه ها اینطور مواد بیان نمیکند اقتدارات محاکم فصل ۷۱ و ۷۲

آیه الله زاده اصفهان -- قانون اساسی حقوق زیاد که معین نکرده است

آقا سید یعقوب -- آقا صبر کن تورا به جدت صبر کن اینجا که دست شهارا نگرفته اند من که الف لیل برایتان نمیخوانم قانون اساسی میخوانم. ماده ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ به آنجا نیکه در خصوص انجمنهای اهلای و ولایتی است این مواد عبارت است از میزان و تشکیلات و تأسیسات قوه قضائیه که اصل تمام توجه ملت بر تأسیس قوه قضائیه بوده است قبل از اینکه این زینیات عدلیه جدید پیش بیاید ما همه مان حمله میکردیم که قانون اساسی باید اجرا شود قانون اساسی قانون است مقدس و ماها هم پشت این تریبون قسم خورده ایم بر حفظ این قانون اساسی و باید حافظ این قانون باشیم البته این همه نفوس که در این مملکت برای مشروطه زحمت کشیده اند میدانند که در نوب سنگرها جان داده اند میدانند که قانون اساسی چه مقامی دارد نظر به این مسئله دولت و مقامات عالیه تعقیب کرده اند که بك قدمهائی بردارند و موفق بشوند به ابطال بك قضاوتهای غاصبانه که در این مملکت بود که آن قضاوتها از بین برود و البته این مقصود زمان لازم دارد عدلیه آمد و برای جلب کردن بك عنادری (همه ما ایرانیها سر ته بك کرباس هستیم و امیدوارم خوب باشیم) کارهائی کرد و مشغول جریانان هستند و بینی و بین الله تصدیق بفرمائید آقا ما در عدلیه کی محکمه جنائی داشتیم بلی آن چیزی که

بنده عقیده دارم هنوز نشده است ولی البته زمان می خواهد پس قضات مملکت دارای بك مقاماتی هستند که ما نمیتوانیم آنها را در مقابل مستخدمین کشوری قرار بدهیم چرا برای اینکه قانون اساسی که رساله عملی است و همچو قرار داده است قانون اساسی آمده است و قضات مملکت را در رتبه های عالی قرار داده است قوای مملکت را بر سه قسمت کرده است قوه مجریه، قضائیه، مقننه قوه قضائیه را در مقابل قوه مقننه قرار داده است این است مرتبه قضاوت و در مقام شریعت و دیانت که واقع شدیم در احکام و آیات الاهی و در اخبار نبوی هم مقام قضاوت در مقام عظیمی واقع شده است اینها تمام بك مرجعانی است که بایستی ما در نظر داشته باشیم پس اینکه میفرمائید اینها هم باید مثل مستخدمین کشوری باشند این هرگز نمیشود برای اینکه ما نمیتوانیم بر خلاف قانون اساسی عمل کنیم و بنده کان نمیکم که مجلس هم با رای این را داشته باشد که بدون مراجعات عمومی بتواند بك مداخله بکند. اما راجع به رتبه نه و ده که فرمودید بنده خودم در این باب اول بك نظری داشتم و آن این بود که برای چه اینها را هم مثل مستخدمین کشوری نه درجه قرار ندهیم بعد ملاحظه کردم و دیدم مانع و رادع من قانون اساسی است قانون اساسی نوشته است که در تمام مملکت ایران بك دیوان عالی تمیز باید تشکیل شود معلوم شد که این دیوان عالی تمیز بك مقام خیلی مقدس و با اهمیتی است که ما نمیتوانیم او را در عداد این درجات قرار بدهیم برای اینکه دیوان عالی تمیز بك مقامی است که چنانچه آقای باستانی اظهار کردند که اگر ما موفق شدیم و قانون محاکمه وزراء را گذرانیم در دیوان عالی تمیز باید محاکمه بشوند پس معلوم شد که ما نمیتوانیم دیوان عالی تمیز را که مرکب از قضاة تمیز باشد در ردیف آنها قرار دهیم این ماده ده و یازده هم به اعتبار همان صحبت هائی است که مکرر در این مجلس شد که رئیس دیوان عالی تمیز و مدعی العموم

دیوان عالی تمیز در مقام مستخدمین ملی نیستند و مقام عالی دارند و البته این امتیاز را ما باید ملاحظه کنیم بنده که در ممالک دیگر ترفه ام و البته آقایان دیگر ترفه اند بنده از میان جریان کار وقتی ملاحظه میکنم می فهمم که دیوان عالی تمیز که عبارت از قضات تمیز باشد درجه شان باید فوق اینها باشد چرا بعلمت اینکه بك مقام عالی باید باشد که بشود مقامات عالییه را در آنجا محاکمه کنند بنا بر این رئیس تمیز و مدعی العموم تمیز باید دارای بك مقامی باشد که از مرتبه قضائیه خارج باشند از این جهت آمده اند و رتبه ده و یازده قرار داده اند حالا هم مجلس موافقت میکنند و بعد از این پنج شش ماه دیگر که میگذرد می بینم که امیدواری که نسبت به عدلیه داریم ظاهر میشود و آنوقت البته مأمورین دولت یعنی آنها نیکه عمل بوظیفه نکرده اند حکام ولایات که میروند و قانون را زیر پا میگذارند جلب می کنند برای محاکمه آن وقت مأمورینی که از طهران بیرون میروند و در ایالات و ولایات میروند بعد از این باید عمل بوظیفه بکنند و بدانند که بازرسی هست البته وقتی که این مقصود عملی شد تصدیق بفرمائید که این هم ضرری نیست برودجه مملکت چرا؟ برای اینکه ما اگر بکفدري دندان روی جگر بگذاریم آن وقت خواهیم دید مأمورین دولت در نحت محاکمه واقع میشوند بنا بر این چندان اهمیتی ندارد که ما بکفدري پول بیشتر بدهیم در مقابل ناموس جان و مال مردم و مملکت را کرده ایم این بود نظر بنده حالا آقایان مختارند

نایب رئیس -- رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای

حاج میرزا مرتضی آقایان موافقین قیام فرمایند

(چند نفر قیام نمودند)

نایب رئیس -- تصویب نشد.

پیشنهاد آقای حاج شیخ بیات

(مضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم از رتبه پنجم نارتبه هفت ده تومان

از میزانی که تعیین شده کم شود و از رتبه هشت هم تا رتبه یازده بیست تومان از میزانی که تعیین شده کم شود حاج شیخ بیات - اساساً علت اینکه در اصل با بودجه وکلا محتاج به يك پیشنهاداتی میشوند برای این است که يك نظریاتی دارند که باید عرایض خودشان را بکنند ولی دو نفر موافق و مخالف که صحبت میکنند بعد آقایان میگویند مذاکرات کافی است و نمیگذارند عقاید وکلا گفته شود...

بعضی از نمایندگان - چرا نمیگذارند؟ کی نمیگذارند؟ حاج شیخ بیات - اجازت فرمائید شما هم تشریف بیاورید اینجا و هر چه دلتان میخواهد بفرمائید اساساً بعقیده بنده این مسائل نه مربوط به وزراء است و نه مربوط است به اشخاص راجع به مملکت است و پول مال مردم است بودجه برای مملکت است و البته وقتی که بودجه را مینویسند بایستی از نقطه نظر ملت نگاه کنند و به بینند که آیا صرفه ملت در این هست که این پول را بدهند یا صرفه ملت نیست و الا برای فلان وزیر فرق نمیکند چه با صد تومان بدهند چه سیصد تومان این قضیه هیچ ارتباطی بحال وزراء ندارد بودجه مملکتی مربوط به مملکت است و باید وزراء ملاحظه وضعیت اقتصادی و حال مردم فقیر مملکت را بکنند و به بینند از روی چه مأخذ بایستی بودجه نوشت اصولاً در بودجه کل مملکت بنده بعرض آقایان میرسانم که این رتبه‌های بالاتر از پنج و شش که تنظیم شده است هیچ متناسب برای مملکت و با زندگانی جامعه نیست بعضی از آقایان در پشت تریبون تشریف میآورند و میگویند فلان قاضی در لندن چندین هزار لیره پول میگیرد بنده عرض میکنم اگر فلان قاضی چندین هزار لیره در لندن پول میگیرد متوسطین از ملت هم چندین هزار لیره پول عایدی دارند ولی در مملکت ما این طور نیست و بنا بر این بایستی از روی تناسب به مستخدمین حقوق داده شود این است که بنده عقیده مند هستم همانطور که چند

روز پیش آقای مدرس فرمودند که بایستی حد اعلا رتبه ها را از نمایندگان دو بیست و پنجاه تومان گرفت و از روی همان میزان در کلیه وزارتخانهها رتبه بندی کرد در قسمت حد اقلش بنده انتقد ها نظری ندارم برای اینکه حد اول اگر پنجاه تومان هم باشد چندانی ضرری ندارد البته باید بکنفر زندگانش را تأمین کرد و کمتر از پنجاه تومان هم نمیشود و نمیشود بريك آدمی تحمیل کرد که تو باید ناسی تومان یا بیست و پنجاه تومان زندگان کنی علی الخصوص که قاضی باشد ولی حد اعلا که دو بیست و پنجاه تومان باشد خیلی زیاد است برای زندگان بکنفر آدم و اگر آقایان توجه بفرمایند تصدیق خواهند فرمود که غالب این نجمالات و بدبختی ها، نیکه امروزه در این مملکت پیدا شده بواسطه همین حقوقهای زیادی است که داده میشود و البته در مقابل حقوق زیاد مردم زندگان خودشان را توسعه میدهند و بهمان اندازه که توسعه دادند به استقبال نجمالات میروند و باقتصادیات مملکت لطمه واردی آید این است که بنده پیشنهاد کردم از رتبه پنج تا رتبه هفت ده تومان کسر شود و از رتبه هشت تا رتبه یازده بیست تومان و اما اینکه آقای آفاسید بعقوب در جواب آقای حاج میرزا مرتضی فرمودند که ما اهمیت قوه قضائیه را نمیدانیم و الا اگر میدانستیم این حرفها را نمیزدیم بنده گمان میکنم که اهمیت قوه قضائیه مربوط به پول دادن نباشد بلکه اهمیت قوه قضائیه به انتخاب قاضی خوشت یعنی پیدا کردن قاضی با اطلاع و صالح و اشخاص کاردان و گذاردن در سر آن کاری که از عهده او بر بیایند بالاخره اهمیت قوه قضائیه به دادن حقوق زیاد نیست اگر شما به بکنفر هزار تومان هم بدهید وقتی دارای این شرایط نباشد و نا اهل باشد هیچ استفاده از او نمیرید اگر بکنفری که اطلاعات علمی او اکتفا نکنند که يك شغلی را حائز شود با دادن حقوق زیاد بهیچوجه نمیشود او را مطلع کرد. بلکه اهمیت قوه قضائیه را بنده هم میدانم که در مقابل قوه مقننه و مجریه است

است ولی این اهمیت مستلزم این است که ماقاضی خوب درست کنیم و قاضی خوب که درست کردیم ارزش استفاده کنیم و نگذاریم لطمه بهش وارد بیاید. اختیارات بهش بدهیم بیانات و احکامش را بموقع اجرا بگذاریم. بنده اطلاع دارم در همین موقع يك موضوعی است راجع بريك ملكی مالیه رفته است ملك مرد که را برده و تصرف کرده آن بیچاره رفته در عدلیه تظلم کرده از عدلیه هر چه میفرستند بمالیه که نماینده بفرستید این محاکمات را خاتمه بدهید نماینده نمی آید. اهمیت قوه قضائیه راجع به این امور است که تمام وزارتخانهها خودشان را مقید بدانند که در يك موقعی که يك قاضی عرضحالی راجع بیکنفر میدهد خودشان را حاضر بکنند و الا به دادن حقوق زیاد که بنده بگویم ده تومان کمتر یا آقا بگویند پنج تومان زیاد تر باین چیزها قاضی خوب پیدا نمیکنیم بلکه باید قاضی تربیت بکنند. قاضی در مملکت ما کسی است که جامع حقوق دنیائی ما باشد. جامع حقوق جدید باشد. تجربیات داشته باشد و دزد هم نباشد. اگر يك همچو قاضی خوبی پیدا کردید آن خوب است. بعضی از نمایندگان - همچو قاضی نیست.

حاج شیخ بیات - و الا به دادن حقوق زیاد ممکن نیست اصلاح شود.

مخبر - فرمایش نماینده محترم روی این زمینه بود که از این رتبه های عالی باید یکی ده تومان کم بشود یعنی از حقوق قضاة و رتبه های قضاة را هم از میزانی که سابق میگرفته اند کمتر بکنند. بطوری که کمیسیون بودجه مثل قضاة را تنظیم کرده با ترتیبی که سابقاً حقوق میگرفتند هر رتبه تقریباً پنج تومان علاوه میشود اینکه فرمودند دادن حقوق باید متناسب با فقر و غنای مملکت باشد عرض میکنم در مملکتی که هفتاد و يك کرور بودجه اش است وقتی دو کرور صرف قوه قضائیه که یکی از قوای است که در عرض قوه مقننه است بشود يك چیز زیادی نیست. هفتاد و يك کرور اصل

بودجه مملکت است و تازه دو کرور که يك میلیون باشد میخواهند بودجه برای قوه قضائیه بنویسند. سی و پنج يك بودجه مملکت برای قوه قضائیه که مبنای تمام اصلاحات است قرار داده شده يك چیز زیادی نیست و کمیسیون بودجه کاملاً رعایت این نظریه را کرده و همین دلیل بوده که با اینکه مجلس شورای ملی حق رتبه ۹ را چهارصد تومان معین کرده بود کمیسیون بودجه ...

حاج شیخ بیات - کی معین کرده بود مخبر - خود مجلس معین کرده بود تا این ترتیب برای تأمین نظریه نماینده محترم صد و ده تومان از این رتبه کم کرد و دو بیست و نود تومان قرار داد. فرمودند که اهمیت قوه قضائیه بخوبی فاضی است البته این صحیح است که قاضی عالم و امین باید قضاوت کند اما این را هم مطمئن باشید که قاضی وقتی خوب و امین شد بريك حقوق جزئی نمیآید حاضر شود و این زحمات را متحمل شود. مگر اینجا مذاکره میشود که يك تلازمی مابین کثرت حقوق و امانت بدست کسی نمیگوید که این تلازم هست ولیکن به عکسش هم نمیشود اطمینان پیدا کرد که به يك کسی که صحت عمل و عفت نفس دارد بگویند چون تو صحیح عمل هستی باید بريك حقوق قلیلی بیائی منجمد این زحمت شوی و توقع صحت عمل هم از او داشته باشید ولی اگر يك حقوق کافی داشته باشد نه فقط این بدبختی او را از ریشه و ارتشاء بزد میدارد بلکه به احتمال اینکه اگر خارج از وظیفه عمل نکند این حقوق گراف ارزش قطع میشود همین اسباب این میشود که به صحت عمل رفتار کنند کمیسیون بودجه وقتی این اشرا را تنظیم کرد سه نظر را رعایت کرد یکی اینکه مملکت بتواند این حقوق را تأدیه کند و بطوری که مراجعه مردم به بودجه این میزان که معین کرده اند بريك میزان عادلانه است که پرداختش از قوه ملت خارج نیست نکته دیگر تأمین معاش قاضی است که آنها هم به حد عدالت است یعنی آنطوریکه آقای وزیر پیشنهاد کرده بودند نه اینکه

بعضی از آقایان پیشنهاد میکنند و این يك حد متوسطی است که نسبت بحقوق مستخدمین کشوری هر رتبه بیست و دو تومان بایست و شش تومان تفاوت دارد و نسبت بحقوق قضاة که سابقاً معمول بود از پنج تومان تا شش تومان تفاوت دارد یکی هم رعایت این نظر که تناسبی مابین وزارتخانهها باشد که حقوق يك وزارتخانه زیاد نباشد که سایر مستخدمین دل سرد باشند گرچه مابین قوه قضائیه و سایر مستخدمین يك تفاوت بنی هست معذالک بطوری که قبلاً آقای وزیر عدلیه پیشنهاد کرده بودند چون حقوق آنها را زیاد پیشنهاد کرده بودند کمیسیون بودجه برای اینکه حقوق هارا متناسب با سایر وزارتخانهها بدهد از این جهت تعدیل کرد در هر صورت پیشنهاد نماینده محترم را کمیسیون قابل قبول نمیداند و بطوری که رتبه قضائی را تنظیم کرده است طرز عادلانه است.

حاج شیخ بیات - بنده پس میگیرم

نایب رئیس - پیشنهاد آقای احتشامزاده

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم عبارت ماده واحده بطریق ذیل اصلاح شود:

ماده واحده - حد اقل حقوق رتبه های قضائی برترتیب ذیل مقرر است

مخبر - این را بنده قبول میکنم

نایب رئیس - آقای احتشامزاده

احتشامزاده - بنده نظرم در عبارت ماده بود و در میزان ریع نظری ندارم مطابق نظر بنانی که در کمیسیون بودجه بوده منظور این است که اشخاصی که رتبه قضائی دارند این حقوق را داشته باشند بنا بر این بهتر این است عبارت باین طریق نوشته شود که بنده پیشنهاد کرده ام البته هر مستخدمی در دوره خدمتش يك حقوق نمیگیرد زیرا اگر بنا شود برای مستخدمین در تمام مدتی که خدمت میکنند يك حقوق قائل شویم آنوقت اصل

تشویق ازین میبرد بنده عقیده ام این است که بهتر این است (همانطور که در قانون استخدام هم مقرر است) يك حد اقلی برای آنها قائل بشویم که بعد بتوانند از آن حد اکثری که معین میشود استفاده کنند این است که بنده نوشته ام حد اقل حقوق رتبه های قضائی بقراری است که در ذیل مقرر است.

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید؟ این پیشنهاد را حالا آقای مخبر قبول کردند ولی ما بقدر امکان نحو استیم با رفقای خودمان یعنی اعضاء کمیسیون بودجه نظر مخالفی داشته باشیم آقای مخبر قبول کردند ولی بنده نمیدانم چطور قبول کردند ما هیچ نظر نداشتیم به این مسئله که بعد داخل گردید و بنده هیچ نفهمیدم. مرتبه اول پنجاه تومان یعنی از برای او اعتبار باشد که حد اقل را به رتبه دوم هم برساند؟ خیر آقا بنده که رای دادم و مدافع هستم باین ترتیب رای دادم که عنوان اقل و اکثری در بین نباشد و همین اصل حقوق باشد والا فردا همان بالای قانون استخدام کشوری را بر سر ما وارد می آورد. خیر بنده جداً مخالفم و باید عین همین باشد و من هم همین ترتیب رای دادم.

مخبر - اگر نظر آقای آقا سید یعقوب باشد در این قسمت مذاکره شد که ما اصل را تغییر نمیدهیم و الا قانون استخدام قضاة بجای خودش است. در قانون استخدام کشوری قضاة است که در صورتیکه سه سال یا پنجسال خدمت بکنند با يك شرائطی ممکن است حداکثر را بگیرند در کمیسیون هم این موضوع مذاکره شد و بنده که قبول کردم منظور آن قسمتی بود که اظهار کردند حقوق رتبه قضائی اینطور است. بنده این قسمت را قبول کردم وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم جمع بین نظر آقایان باشد بجهت اینکه عجزاً مسئله حد اقل و اکثر در اینجا مطرح نیست و اگر در عبارت خودشان تغییری قائل شوند که نوشته شد حقوق رتبه های قضائی بطریق ذیل است

بهرتر خواهد بود

احتشامزاده - بنده قبول میکنم که نوشته شود حقوق رتبه های قضائی

مخبر - بنده هم قبول کردم منظورم همین بود.

نایب رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای احتشامزاده با اصلاحی که شد...

مخبر رأی میخواهد

نایب رئیس - پیشنهاد آقای بدر

(بنحو ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که عده قضاة و صاحب مناصب پسر که و مدبران دفاتر محاکم که دارای رتبه قضائی میباشد و مشمول حقوق مقرر در لایحه کمیسیون بودجه خواهند بود وزارت عدلیه مطابق تشکیلاتی که داده است عده هر رتبه را تعیین نموده و با اطلاع مجلس برساند تا مبلغ مجموع آن معین و باعتبار آن وزارتخانه سنجیده شده پس از آن رأی داده شود بعضی از نمایندگان - یکمرتبه دیگر قرائت شود

(مجدداً بشرح سابق خوانده شد)

نایب رئیس - بفرمائید

بدر - عرض کنم بنده دریاب کم و زیادی کار ندارم عرض بنده دریاب عده است این صورتی که فعلاً آورده اند يك اشلی است معلوم نیست. فقط در آن دو درجه ۱۰ و ۱۱ عده معین شده است و در رتب دیگر معلوم نیست که چند نفر خواهند داشت. چون تشکیلاتی در عدلیه داده شده و البته تشکیلاتشان هم تا حال نام است بنده تصور میکنم با اعتباری که عدلیه دارد برای اینکه معلوم شود که این اعتبار تکافو میکند با این عده یا نمیکند خوب است که اصل صورت عده را معین کنند و چون مجلس مقرر کرده است که امروز وزارتخانه تشکیلاتش را بیاورد بهتر این است آقای وزیر عدلیه از وزارت عدلیه شروع بفرماید. عده و تشکیلاتشان را بیاورند

که معلوم شود رتبه شش چند نفرند آنوقت ما حساب کنیم به بینیم مثلاً رتبه شش چند نفر است و يك میلیون و نیم تکافو میکند با بیشتر از این خواهد بود. اگر بیشتر است باید اعتبار علیحده داد و اگر تکافو میکند که هیچ. يك تشکیلاتی برطبق اعتباری که داشته اند داده اند و بنده خودم يك حساب کرده ام و البته حساب بنده حساب تحقیقی نیست و تخمینی است. مثلاً برای رتبه (۹) بنده حساب کرده ام بیست نفر. رتبه (۸) بیست و پنج نفر. رتبه (۷) پنجاه نفر. رتبه (۶) پنجاه نفر. رتبه (۵) شصت نفر. رتبه (۴) هشتاد نفر. رتبه (۳) صد نفر. رتبه (۲) صد و پنجاه نفر. رتبه (۱) دویست نفر اگر باین حساب باشد و زیاد تر نباشد با این اصل فعلی با نصد هزار تومان میشود حقوق آنها را داد. حالا وزارت عدلیه هم هست ثبت اسناد و تشکیلات دیگر هم هست که آنها دو مرتبه علاوه خواهد شد. پس اگر ما بطور تحقیق بخواهیم بفهمیم که این مبلغیکه ما معین کرده ایم با عده آنها تکافو میکند یا نه باید عده رتبه ها را بدانیم. تشکیلات اولاً در همه جا عده معین است. رتبه همه جا معین است غیر محدود که نمیشود مثلاً صد پنجاه نفر میتواند دارای این رتبه باشند و بیشتر از این نمیتوانند. آنوقت البته از روی آن میتوانیم بفهمیم که اعتبار مان زیاد است یا کم است. ممکن است ما این اصل را تصویب کنیم و بعد از روی این اصل تشکیلاتی را که ضرور داریم بدهیم و دو میلیون سه ملیون بشود آنوقت که ما نداریم و مجبور خواهیم شد که از همه در موقع حساب بکاهیم. پس حالا برای اینکه از آن محظور فارغ شویم بهتر این است که از اول عده هر يك از این رتبه ها معلوم شود. این يك منظور. منظور دوم این است رتبی که فعلاً هست و اشخاصیکه از خارج آمده اند داخل شده اند آنها بعد از یکسال یا دو سال منتظر خدمت میشوند اینها حقوقشان چه میشود؟ در جای دیگر هم همین حقوق را خواهند داشت؟ یعنی فرض بفرمائید

يك كسى در این جا رتبه هشت دانسته است بعد از این جا خارج میشود و میرود بوزارت داخله آیا در اینجا هم همین رتبه هشت را خواهد داشت؟ این که نمیشود. با اینکه این يك رتبه است که موقه برای این جا است؟ و اگر رفت مشمول قانون استخدام کشوری خواهد بود یا نه؟ چون میزانی که الان وزارت مالیه میگیرد حقوق است. هر کس صد تومان مواجب گرفت او میزان درجه کارش است. آنوقت معلوم نیست که آیا همین درجه را خواهد داشت یا نه. فرض بفرمائید این شخص درجه هشت را داشت. آنوقت با این درجه میتوانی حاکم یا فرمانفرما بشود و وقتی که انتقال پیدا کرد آیا میتواند همین درجه را داشته باشد یا نه؟ چون اینجا هم قضاة را مینویسد و هم صاحب منصبان پارک و مدیران دفاتر پارک را جزو قضاة شمرده و آنها هم سمت قضاوت داده. بکی هم این است که مجلس مقرر کرده است که مستخدمین سابق وزارت عدلیه هم حقوق انتظار خدمت بگیرند و يك عده دیگر هم هستند که آنها وارد میشوند و بعد منتظر خدمت میشوند با اینکه از اشخاص قدیم هستند اینها تکلیفشان چه میشود؟ اگر این بود چه تمام صرف این رتبه ها میشود آنوقت تکلیف منتظرین خدمت چیست؟ این است که بنده تصور میکنم بهترین است آقای وزیر عدلیه صورت این درجات یعنی عده آنها را که مثلاً رتبه يك صد نفر رتبه دو صد و پنجاه نفر هر عده که دارند بر حسب تشکیلاتشان يك صورتی بدهند بمجلس. مجلس آن صورت را با این حقوق مقایسه میکند جمع میکند همانطور که بنده تخمین کردم آن صورت را بدهند بمجلس اگر کسر دارند البته مجلس تصویب خواهد کرد که کسرش را بدهند یعنی میگوید يك کروار دو کروار من میدهم شما این تشکیلاتتان را تمام کنید یا اگر نمیتواند بدهد آنوقت باید با عده را با توافق نظر وزیر عدلیه کم کند یا اشل را با این بیاورد. پس بنده تصور میکنم بهتر این است که وزیر عدلیه آن صورت را به مجلس بیاورند اگر کسر دارند آن کسرش را بخواهند و اگر هم مطابق است که تکلیف سائین

هم معلوم میشود.

شریعت زاده - بنده اخطار دارم

نایب رئیس - بفرمائید

شریعت زاده - البته آقای نماینده محترم متوجه هستند که موضوع مباحثه تعیین حقوق رتبه های قضاوت است و بهیچوجه از نقطه نظر تشکیلات پیشنهادی نشده که موضوع بحث واقع بشود بنا بر این بنظر بنده این موضوع مشمول ماده ۱۱۰ بوده که بعد از ملاحظه پیشنهاد باید تذکر داده شود که این پیشنهاد جای تقدیمش اینجا نیست و در موقع پیشنهاد تشکیلات است هر وقت راجع به تشکیلات وعده قضاة و سایر احتیاجات لایحه آمد آنوقت موقع این مباحثه است.

نایب رئیس - در واقع پیشنهاد کرده اند که عده

را هم معین کنند. خود آقای وزیر جواب میدهند

وزیر عدلیه - اگر اجازه بفرمائید چون نماینده

محترم بیاناتی کردند بنده يك جوانی عرض کنم. مطلبی

را که اظهار کردند بطور کلی البته خیلی بجا است چون

آنچه که بنده استنباط کردم مقصودشان این بود که اگر این

اشل بان ترتیب رأی داده شود آنوقت با عده که

دارای این رتبه های مختلف هستند آیا پول ما تکافؤ میکند

یا اعتبار زیادتری لازم خواهد بود. اولاً این مقصودشان

از برای سال ۱۳۰۷ در تقسیمات که هیئت دولت کرده

است که البته بعد هم به مجلس میآید و تکلیفش معلوم

میشود تأمین خواهد شد. عجالتاً از برای امسال يك

میلیون اعتبار برای وزارت عدلیه است. و بنده هم بایک

اشلی شبیه باین اشلی میتوانم تشکیلات عدلیه را بدهم

پس از این نقطه نظر که بعد گیر بکنیم گیری نخواهد

داشت اما راجع به اینکه بنده صورت عده را بردارم

بیاورم و داخل در تشکیلات بشوم. بنده میخواهم مختصری

اینجا بخاطر آقایان بیاورم البته توجه داشته اند ولی

میخواهم بیشتر توجه بکنم که این يك کاری نیست که

تمام جزئیاتش از آن روز اول معلوم باشد. بنده خاطر

میآید که وقتی مستشارهای مالیه آمده بودند تا دو سال بودجه را بمجلس بیاوردند گفتند ما نمیتوانیم برای اینکه در کار تشکیلات هستیم. بنده شاید در هشت ماه این کار را کرده باشم بالاخره بوزارت مالیه هم خواهم داد بمجلس هم خواهم فرستاد ولی ملاحظه بفرمائید که يك زحمت فوق العاده ایست و يك کار زیادی است و اگر امروز بنده نکرده ام و اگر نیامده ام تمام جزئیات را این جا عرض کنم و صورت عده را این جا دم دستم حاضر داشته باشم که بعرض آقایان برسانم بواسطه مشکلاتی است که در اول کار هست و البته آقایان نظر ببطرفانه در این کار خواهند داشت که واقعاً برای اینکه کاری پیش برود باید کار هائی کرد بنده در قسمت آوردن صورت تشکیلات يك نمائنی داشتم و آن این است که این را بگذارند برای وقتی که اشل گذشت چون فرق است بین اشل که آقایان درس حرف میزنند و صورت بودجه. البته اگر صورت بودجه معلوم باشد که چند نفر دارای رتبه هفت خواهند بود ولی برای اینکه بنده بطور قطعی بتوانم بودجه را بنویسم باید بفهمم که مجلس شورای ملی روی چه اشلی میخواهد به قضاة حقوق بدهد و چه اشلی را تصویب خواهد کرد آنوقت بنده هم می توانم از روی آن اشلی که معین کرده اند و در حدود آن اعتباری که تشخیص داده اند بودجه را بنویسم و تشکیلات را بدهم بنا بر این بنده تصور میکنم که از این حیث جای نگران نیست و بطور قطع بیش از آنچه به بنده اعتبار میدهند چیزی اضافه نخواهم کرد و اگر دیدم فرضاً يك جائی کم و کسر است لابد بایستی بکطوری کم و کسر کنیم که بتوانیم در همان حدود او را درست کنیم و البته بایستی آقایان موافقت بفرمایند که امروز زودتر تکلیف اشلی معلوم بشود برای اینکه تمام این اشخاص که رفته اند بولایات الان چندین ماه است. حقوقند و واقعاً يك وضعیت خیلی بدی دارند

نایب رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای بدر

آقایانیکه موافقت قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد. پیش نهاد آقای استرآبادی

(مضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که رتبه (۱۰) و (۱۱)

حذف شود. رئیس و مدعی العموم تمیز فوق رتبه باشند

حقوق قضاة تا رتبه (۴) مطابق تصویب کمیسیون و از

رتبه (۵) هر رتبه بیست تومان اضافه شود و حقوق فوق

رتبه (۲۵۰) تومان باشد.

نایب رئیس - آقای استرآبادی

استرآبادی - بنده قبل از اینکه داخل در موضوع

پیشنهاد بشوم میخواهم عرض کنم که بنده با کله اشل

مخالفم برای اینکه قدر مسلم این است که کله اشل فارسی

نیست عربی هم نیست و ما همه روزه يك دسته الفاظ

خارج را میآوریم و جزو زبان خودمان میکنیم. این يك

مقدمه ایست و البته در وقت دیگر عرض خواهم کرد

گرچه آقای وزیر عدلیه و آقای وزیر مالیه نیستند ولی

بنده از این دو وزیر محترم تشکر میکنم از آقای وزیر

عدلیه از نقطه نظر لایحه که برپروز دادند و از آقای

وزیر مالیه هم از این نظر که اظهار فرمودند من نهصد

هزار تومان صرفه جوئی کرده ام و البته يك مملکتی که

اینطور دچار فقر و فلاکت است هر قدر صرفه جوئی

بشود برای مملکت بهتر است. آقای وزیر مالیه فرمودند

که من نهصد هزار تومان صرفه جوئی کرده ام و البته این مسئله

حقیقه قابل تقدیس است و اگر میفرمودند که از چه محلی صرفه

جوئی شده البته بهتر بود و البته هر يك تومان از این نهصد

هزار تومان مال يك بیچاره فندرسکی با غزان است.

در موضوع پیشنهاد بنده آقایان فرمودند که این پیشنهاد

رد شده در صورتیکه يك قسمتش رد شده. آقای حاج

میرزا مرضی پیشنهاد کردند که رتبه ده و یازده حذف

شود و این پیشنهاد هم رد شد ولی بنده نظر کمیسیون

و نظر آقای وزیر عدلیه را در پیشنهاد خودم تأمین کرده ام

و پیشنهاد کرده ام که رتبه (۱۰) و (۱۱) حذف شود برای اینکه تا رتبه ۹ را که آقایان معتقد بودند ولی رتبه (۱۰) و (۱۱) را برای يك اشخاص معینی در نظر گرفته اند چنانچه در خود پیشنهاد کمیسیون هم هست که رتبه یازده فقط رئیس تمیز و مدعی العموم تمیز است و رتبه ده سه نفر اعضایش است پس این پیشنهاد بنده غیر از پیشنهاد آقای حاج میرزا مرتضی است. من پیشنهاد کرده ام که تبعیض بین رتبه های وزارت عدلیه با وزارتخانه های دیگر نباشد زیرا در سایر وزارتخانه ها رتبه بیشتر نیست و بقول بعضی از آقایان تا رتبه ۹ بیشتر نیست آنوقت این جا يك محظوری بر میخوریم و آن این است که رئیس تمیز به مدعی العموم تمیز نمیتواند در رتبه ۹ باشند و با يك اشخاص دیگری را بر باشند و بنده در پیشنهاد خودم این نظریه را تأمین کرده ام و پیشنهاد کرده ام که رئیس تمیز و مدعی العموم تمیز اصلاً فوق رتبه باشند ولی تشکیلاتش تا رتبه ۹ بیشتر نباشد که تبعیض نشده باشد و ترجیح بلامرجهی که اساسش خیلی محکم نیست نباید قائل شد. تا رتبه ۹ باشد و از رتبه نه بیالات تحت عنوان رتبه نباشد و رئیس تمیز و مدعی العموم تمیز فوق رتبه باشند پس این پیشنهاد رد نشده برای اینکه پیشنهاد آقای حاج میرزا مرتضی این بود که رتبه (۱۰) و (۱۱) حذف شود. و دیگر این قسمت پیش بینی نشده بود این یک قسمت. قسمت دیگر راجع بحقوق قضاة است البته در این چندروز صحبت خیلی شده و موافق و مخالف حرفهای خودشان را زده اند. بنده تصور میکنم که حد عدالت و حد وسط این باشد که بنده پیشنهاد کرده ام اولاً تا رتبه ۴ بطوری که کمیسیون تصویب کرده است باشد زیرا البته پنجاه تومان. نصف و پنج تومان هشتاد تومان و ناصد تومان برای یک نفر آدم زیاد نیست. گرچه بنده معتقدم اینجا در همین امروز و در همین قسمت تکلیف سایر ادارات را هم معین کنیم که در آنجا هم تبعیض

نشود اینجا هم بنده معتقدم که سی و دو تومان خیلی کم است و حداقل و اکثری که در اینجا گفته شد بنده اساساً این را بعقیده خودم منطقی نمیدانم حداقل و اکثر یعنی چه؟ این قسمت در قانون استخدام و سایر ادارات هم باید اصلاح شود. بنده جسارت بوزاری حاضر نمیکم و نظرم به آنها نیست ولی میتوان گفت این به صرفه جیب عده از وزراء شبیه تر است یعنی مقداری برای حداقل و اکثر معین میکنند و به اشخاصی که میخواهند يك پول هائی میدهند (آقای وزیر عدلیه این پیشنهاد را نکرده اند و خودشان هم گفتند که من این پیشنهاد را نکرده ام) در هر صورت این قسمت بایستی اصلاح شود و در حقیقت بنده تقدیس میکنم فرمایش آقای مدرس را که فرمودند ما باید امروز تکلیف همه کارهای بودجه را معلوم کنیم و همه روزه گرفتار کشمکش و اختلافات نباشیم حتی بنده معتقدم حقوق وکلایا هم باید معین کنیم و بنده عقیده دارم که سیصد تومان زیاد است و درست تومان هم که آقایان میگویند کم است و حد وسطش که درست و پنجاه تومان است باید باشد و این قسمت را وقتی بموقع رسید عرض میکنم. در هر صورت بنده این جا عقیده دارم که تا رتبه چهار همینطور که کمیسیون پیش بینی کرده است باشد ولی از رتبه پنج بیالات که تا رتبه ۹ است (این قسمت را باز تکرار میکنم برای اینکه حقوق رتبه تمیز و مدعی العموم تمیز فوق رتبه است) هر رتبه بیست تومان اضافه شود ولی تا رتبه چهار دست نخورد و بنده تصور میکنم که این ترتیب هم خیلی دور از شئون آقایان قضاة نیست و هم زیاد نحمیل بر مملکت نشده و این جا ناچارم يك قسمت را در خانه عرایض خودم راعرض کنم و آن این است آقای آقا سید یعقوب ساعه الله پانزده ماده قانون اساسی را تطبیق کردند با حقوق و اضافه حقوق قضات و حال آنکه قانون اساسی يك مراتب برای قضاة قائل شده و همینطور هم هست برای اینکه قاضی در

مملکت ما باصلاح امروز محترم تر از سایرین است ولی قانون اساسی راطی به اضافه حقوق ندارد بهمین جهت از اول مشروطیت که این قانون اساسی وضع شده تا امروز هیچوقت گفته نشده که مطابق قانون اساسی رتبه قضاة یا حقوق آنها را فلان قدر بکنند. پس قانون اساسی مربوط به رتبه و اضافه حقوق قضاة نیست. يك قسمت دیگر هم که فرمودند که آیات و اخبار شأن قاضی را خیلی بالا برده این جا جسارت میکنم خدمتشان، بله آیات و اخبار که برای قاضی يك احتراماتی معین کرده مقصود از آن قاضی محتهد جامع الشرایط است این قضاة ربطی به آیات قرآنی ندارد قرآن و اخبار فقط راجع به قضاة محاکم شرعیه و محتهد جامع الشرایط است... مخبر - مطابق ماده ۶۳ توضیح پیشنهاد باید مختصر باشد استرآبادی - و مربوط باین ها نیست و این قسمت را هم در خانه عرض میکنم که همانطور که بعضی از آقایان هم فرمودند بنده تصور نمیکم دادن اضافه حقوق يك آدمی در صحت عمل فرق داشته باشد برای اینکه يك اشخاصی در این موضوع امتحان دادند و همین اشخاصی را هم که خود آقای وزیر عدلیه معین کرده اند از قبیل میرزا رضا خان و اینها من میتوانم قسم حضرت عباس بخورم که اگر ماهی پنجاه تومان هم به آنها بدهند دزدی نمیکند و اگر بعکس اینها باشد بالاخره سه هزار تومان هم بدهید باز دزدی خواهند کرد.

روحی - در ماده ۶۳ مصرح است که در پیشنهاد باید نماینده خیلی مختصر صحبت بکند استرآبادی - خوب بود قسمت آقا سید یعقوب را هم می فرمودید مخبر - این مطالب غالباً تکرار مکررات بود و تماشای مذاکره شده و يك مقداری هم خارج از موضوع بود و مجلس اینجا نبود و يك قسمت هم راجع بحقوق وکلایا و غیره بود که جواب اینها هم داده شده و در هر صورت کمیسیون نمیتواند این پیشنهاد را قبول کند.

نایب رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای استرآبادی آقایان موافقین قیام فرمایند (عده مختصری قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای مدرس. (بترتیب ذیل خوانده شد)

پیشنهاد می کنم که بودجه عدلیه از روی نسبت واحد بترتیب علاوه صد بیست رتبه مادون بر رتبه مافوق بترتیب ذیل اصلاح شود:

۵۰ تومان ۶۰ تومان ۷۲ تومان ۸۶ تومان
۹۷ تومان ۱۱۶ تومان ۱۳۹ تومان
۱۶۴ تومان ۱۹۶ تومان ۲۰۵ تومان
۳۰۰ تومان

نایب رئیس - آقای مدرس

مدرس - درجاتی که نوشتم يك قدری اشتباه شده است اگر چه باید در پیشنهاد ها خیلی مختصر صحبت داشت ولی مسئله بودجه از باب اتفاق هم بودجه عدلیه پیش آمده است اگر اول بودجه استخدام سایر ادارات هم بود لابد خیلی صحبت داشته میشد بجهت اینکه فردا بودجه کل مملکتی عنوان میشود بعقیده من باید اساس داشته باشد همینطور که یکی از آقایان فرمودند که اشل را نمیدانیم چه لفظی است من خیال میکنم اگر ما اشل را بخوایم خودمان يك لفظ خون رایش قائل شویم باید بگوئیم اصل یعنی يك اساس قانون يك قاعده کلی باید يك اصلی برای حقوق معین کنیم.

مخبر - درجه

مدرس - آن ترتیب ها مصدق و محقق اصل است نه خود اصل است. همینجوری که آمدیم در قانون استخدام يك نسبتی از برای ترقی درست کردیم يك اصلی درست کردیم که کمیسیون بودجه و مجلس شورای ملی آن درجه باین را معین کند و بعد سایر مراتب را روی آن اصل ببریم همینقدر شی و دو تومان را اگر بکسال آمد

دید که بودجه اش وافی نیست سی و بکتومان کرد تمام درجات روی این اصل می‌رود، و اگر بکوقت دید کم است سی و پنجتومان کرد باز دیگر داخل مذاکره در باقی رتبه هائمی شود اینجا هم باید يك نسبتی از روی عدل و انصاف و امکان درست کرد. بعقیده من آقایان خوب توجه بفرمایند آن نسبت را من چندان مضایقه ندارم که این نسبتی که من گفتم شما قبول نکنید اما هرچه باشد روی يك فلسفه است من نسبت درجه را صد بیست قرار دادم شما می‌فرمائید صد بیست کم است یا آقایان دیگر بفرمایند صد هجده اما نه کتره...

یاسائی - کتره نیست روی تناسب است

مدرس - ویل لمن ساوی بوماه. سال دیگر من از امسال ترقی میکنم با از پیرار سال؟ ترقی من در خدمت در سال آینده از امسال من است یعنی هر جور که امسال هستم باید ترقیم بدهید نه سال دیگر را روی پیرار سال یعنی چه؟ درجه دوم ثلث اصل! درجه سوم ثلث اصل درجه چهارم ثلث اصل! این چه فلسفه است؟ من سه سال آمده ام خدمت کرده ام حقوق من بیست تومان بود این سه سالی که خدمت کرده ام حقوق من رسید به بیست تومان سه سال دیگر که خدمت کردم از بیست تومان باید ترقی کنم بیست و پنجتومان سه سال دیگر که ترقی کردم از بیست و پنجتومان ترقی بدهند سه سال دیگر که خدمت کردم باید مرا از آن ترقی بدهند بنده میگویم آقا فرق زمان استبداد و مشروطه چه بود؟ زمان استبداد من میشدم والی حاکم فلانجا میرقم روی نظریات خودم يك ترتیبی درست میکردم يك رفیقهای میگردم يك دزد هائی هم میشناختم دزدها را التماس میکردم سرکوبی میکردم يك دو سه سالی میماندم همینکه من میامدم از آنجا باز بهم میخورد بجهت اینکه در تحت نظریات خصوصی يك ترتیبی داده بوده دوم مرتبه که بهم خورد يك والی دیگر در تحت يك نظرهای دیگر بمقتضای نظریات و سلیقه خودش فلان کدخدا را میآورد ده تومان قرار میداد یکی بیست تومان

اما مشروطه که مقابل آنست معنیش این است که يك قیودی و يك شرایطی در يك مفاهیمی مأخوذ شده که آن در تحت فلسفه باشد که هر کسی میاید زود به زود در آن انگشت نکند. بنده میگویم کمیسیون بودجه اختیار دارد اصل را تغییر بدهد یعنی چه؟ یعنی نسبت خمس که شما امسال قرار دادید بیست سال دیگر نسبت را ثلث قرار بدهید یا سدس نسبت را بگیریید. بگوئید به مقتضای پول مملکت و صلاح مملکت امسال چون نداریم سی و دو را میآوریم بیست و نه تومان میکنیم سال دیگر داریم سی و دو تومان را میآوریم سی و پنجتومان میکنیم اما ترقیات باید در تحت يك فلسفه و قاعده باشد این عقیده من است و بعقیده خودم بدیهی و محتاج باینکه برهان بیآورم نیست که آن درجه اول را بدهید پنجاه تومان فرمودید بقاضی باید حقوقش زیادتر باشد از مستخدم درجه اول کشوری پنجاه تومان گرفتید حرفی نداریم شصت تومان حرفی نداریم هشتاد تومان هم بگیریید حرفی ندارم اما از درجه اول که می‌رود درجه دوم آن نسبتی که از درجه اول می‌رود درجه دوم. از درجه دوم همان نسبت را طی کند از درجه سوم همان نسبت برود بدرجه چهارم. از درجه چهارم هم همان نسبت برود پنجم و هكذا تا برود درجه یازده اگر بیست درجه هم بکنند حرف ندارم نه درجه هم بکنید حرف ندارم اما نسبت باید نسبت واحد باشد حالا بعقیده من من آمده ام بمقتضای وضعیت خودمان و بمقتضای آنچه که شاید رد انصاف باشد نسبت قضات را صد بیست گرفتم بعقیده خودم بعد که رقیب سر استخدام کشوری بعقیده من صد چهل باید گرفت یا صد سی و پنج چون این درجه از پنجاه می‌رود او از سی و دو این یازده است او نه است. حالا آنرا بعد حساب می‌کنیم. حالا این حسابی که بنده کردم اگر تأمل بفرمائید با این پیشنهادی که وزارت عدلیه کرده است که آنوقت يك وزیر دیگر که می‌آید باز میخواهد تغییر بدهد بجهت اینکه فلسفه که ندارد این میگوید پنج به

شش سی و پنج تومان. این نسبت را بشما عرض میکنم شما میخواهید در مجلس یا در تنفس تأمل کنید هرچه که روی فلسفه کم و زیاد کردید اما در نسبت واحد. من حرفی ندارم این فرمایشات که آقایان فرمودند چه از دوستان که قبلا فرمودند و چه از آقایان که قبلا فرموده بودند من تمامش را مخالفم و گمان میکنم نیافلسفه باشد که آن یکی را بیست و پنج تومان بالا ببریم يك درجه را سی و پنجتومان بالا ببریم يك درجه را چهل و پنجتومان بالا ببریم این هیچ فلسفه ندارد حالا بنده عرض میکنم آن صورتی که دادم خدمت آقا گویا در حساب قدری اشتباه است درجه اول پنجاه تومان درجه دوم صد بیست شصت تومان درجه سوم صد بیست هفتاد و دو تومان درجه چهارم صد بیست هشتاد و شش تومان درجه پنجم صد بیست و صد و سه تومان درجه ششم صد بیست و صد و چهل و هفت تومان درجه هفتم صد بیست و صد و چهل و هفت تومان درجه هشتم صد بیست و صد و هفتاد و شش تومان درجه نهم صد بیست و دو بیست و یازده تومان درجه دهم صد بیست و دو بیست و پنج تومان درجه آخر صد بیست و سیصد تومان این بدرجه واحد است آقای وزیر عدلیه آقایان و کلا میگویند از اول صد بیست ترقی کم است روی چشم میگذارم بگویند صد بیست ترقی کم است صد بیست و دو کنند اما آن صد بیست و دو را تا آخر بکنند صد بیست و دو صد بیست و دو هم بنظر بالا بیاید. میفرمایند ما پول خیلی داریم صد سی ترقی بدهیم باز هم روی چشم آنها را هم بیشتر پول بدهید من که بدم نمیآید اما باز صد سی همه را يك جور بدهید دو می که میخواهد ترقی کند صد سی ترقی کند پنجمی هم که میخواهد ترقی کند صد سی ترقی کند و هكذا تا بیاید بالا. درجه اول را یازده تومان علاوه میکنید بقبول شما که میفرمائید ضعفا هستند آنوقت درجه ششم بکمترتبه چهل و شش تومان ترقی میکنند من میگویم با

آن درجه باثینی مثل بالائی ترقی کند با بالائی ها مثل باثینی ها ترقی کنند یا هر دو يك حد مساوی عادلانه داشته باشد حالا این فرمایشی که آقایان دارند و اینها آنرا بهتر میدانند من حرفی ندارم ولی اگر صلاح بدانید این عرض بنده دو پیشنهاد مقدماتی است الان تشریف ببرید در اطاق تنفس حسابش را بکنید به آقای یاسائی عرض میکنم اگر دیدید زقی دادن صد بیست کم است بفرمائید صد سی. بنده در قانون استخدام تا صد چهل هم حرفی ندارم اما از درجه دو به سه صد چهل از سه به چهار صد چهل همینچور صد چهل صد چهل تا برود بالا بالا من سال دیگر باید از امسال ترقی کنم هر سالی بمقتضای خدمت من از آن حقوقی که آن سال دارم باید ترقی کنم بهمین نسبت که رفیق من دیگر او ترقی میکند می‌رود این پیشنهاد من است و من حساب که کرده ام این یازده درجه آخر می شود سیصد تومان اما درجات دیگر چندان تفاوتی ندارد درجه دوم از من شصت تومان از آقایان شصت و پنج تومان. درجه سوم ۷۶ است از آقایان ۸۰ درجه چهارم ۸۶ است. درجه پنجم صد و سه است و هكذا صد و بیست و سه. صد و هفتاد و شش. دو بیست و یازده. درجه ده ۲۵۲ درجه آخر سیصد. حالا این پیشنهاد من است و بهمین میزان هم عقیده من این است که باز اگر نخواهیم پس فردا معطل نشویم قانون استخدام کشوری در کمیسیون بودجه آقا حقیقه میخواهند امسال درست کنند بنده اطلاع کامل داشتم که میخواهند درست کنند لکن همه میدانیم که فشار هائی هم ما داریم هم شما دارید هم آنها دارند من هم زیاد تر دارم اما باید حساب عدل و انصاف را کرد که چه داریم از روی انصاف بدهیم اما آنچه میدهیم به نسبت واحد آنچه وظیفه مجلس شورای ملی است این است که آن کار که میکند اساسی و از روی عدل و انصاف باشد این وظیفه

ماست حالاً استخدام کشوری هم بعقیده من اگر صد سی یا صد چهل و پنج یا صد چهل هر چه میدانید قرار بدهید اینک رفقا را بزحمت انداختم برای این بود که این ترتیب امروز بفردا انداختن خوب نیست آخرش باید کار را شما ها بکنید هر چه زودتر آنها هم بعقیده من صد سی یا صد سی و پنج بشود چون آن ها درجه شان روی سی و دو است اینها درجه پائینشان پنجاه است این را صد بیست علاوه کردیم آنرا صد سی علاوه کنیم اما به نسبت واحده زود بالا والا این معنی ندارد که امسال حقوق من صد و چهل تومان است سال دیگر بشود دویست تومان آخر يك دفعه ماهی شصت تومان زیاد شود در تحت چه فلسفه است. این پیشنهاد بنده است دیگر اختیار با خود آقایان است حسابش را هم بکنید پری تفاوت نمیکند با آنچه خودشان بگویند وزیر عدلیه - فرمایشی که نماینده محترم فرمودند قبل از اینکه پیشنهاد بدهند در اینموضوع با بنده صحبت کردند و بنده رقم خدمتشان نشستم ولی بالاخره نتوانستم با آن نظر موافقت کنم. آقا تناسبی را که اظهار می فرمایند و باید در نظر گرفت تناسب بین ارقام است میفرمایند اگر پائینی شصت تومان باشد بعد پانزده تومان اضافه کردیم باید همینطور پانزده تومان، پانزده تومان بالا برود ولی بین ارقام را ایشان میخواهند تناسب قائل شوند بنده تناسب بین حقوق و کار را در نظر دارم. کلیه این اصلی است که آقا در نظر دارند حالاً بنده نمیخواهم وارد بشوم در اینکه این ترتیبات را ما از قوانین سایر ممالک گرفته ایم و هیچ کجا اینطور نیست پانزده پانزده يك مبلغی را بگیریم برویم بالا....

مدرس - بگذارید دنیا هم یکمرتبه حرف حسابی ما را بشنوند همه اش ما بشنویم و تقلید کنیم؟

وزیر عدلیه - برای اینکه از دو صورت خارج نیست با آن ماهه التفاوت و آن اضافه را که ما میکنیم يك مبلغ زیادی است با يك مبلغ کمی است یعنی یا مثلاً میفرمائید

باید ده تومان گرفت و آن پنجاه تومان را همینطور بالا برد نتیجه این میشود که دررتبه های بالا خیلی کم است با این است که میفرمایند آن مبلغ را زیاد بگیرند مثلاً نصف پنجاه را بگیرند بیست و پنج تومان و پنج تومان بالا ببرند آنوقت بودجه سنگین میشود چون در يك رتبه های زیادی بایست این ترتیب داده شود کلیه در اداره باید تناسب حقوق را با کار در نظر گرفت و یکی هم از نقطه نظر بودجه ثبات خیلی زیاد میشود گرفت سواد نویس خیلی زود بدست میآید ولی مدبر اداره این چیزی نیست که خیلی سهل باشد الان که در مانده ام در کارها برای این است که اشخاصی که بتوانند مدبر کار شوند خیلی کم هستند و الا زیر دست کاغذ نویسی مینویس بکن آنها يك چیزی است که مهم نیست وقتی مدبر رسیدیم آنجا در میمانیم حالاً چه باید کرد که بالاخره بخیم اینک يك تساوی بین حقوق ثبات با مدبر باشد يك کاری نکنیم که بودجه مملکتی خیلی سنگین شود آنوقت چاره اش تفاوت خیلی کم است رتبه های پائین زیاد است ولی رتبه های بالا و مقامات عالی کم است. رتبه هشت و نه اینها يك رتبه هائی نیستند که هفتاد هشتاد صد باشند اینها يك رتبه هائی هستند که عده شان کم است و از طرفی هم آن مقامات مقامان هستند که يك کارهای مهمتری دارند طبیعی است که شما باید يك حقوق بیشتری برایشان قائل شوید تا اشخاص مهمتری بیایند. راست است این حرف که خوب است يك تناسبی باشد خوب حرفی است اما بایستی به بینم بخیم تناسب ایجاد کردن در بین ارقام باید آن تناسبی که بین کار و شخص است از بین برود؟ بنده خیال نمیکنم البته این بیان که فرمودند که بگذارید یکمرتبه هم حرف حسابی ما را دیگران بشنوند این يك چیزی است ولی بنده تصور میکنم يك مسائلی را که در دنیا خیلی حلاجی و زیر و رو کرده اند و بالاخره بعد از قرنهای تجربه رسیده اند بيك اصولی این را ما بیاییم بخواهیم اجتهاد

کنیم شاید صرفه نبریم. بنده خیال میکنم که تا يك مدتی ما در این قسمتهای اداری و این قسمتهای تشکیلاتی اگر تجربیات دیگران را مورد عمل قرار بدهیم بهتر از این است که اصول جدیدی ایجاد کنیم و بدبکران بگوئیم شما بیایید اتخاذ کنید از ما پس برای این که بنده خلاصه کرده باشم چون می بینم حواس آقایان جمع نیست اینطور میفرمایند که يك نسبتی بین حقوق رتبه های از پائین بیلا همه پانزده تومان باشد مثلاً شاگرد بنا که نمایانم فلاقتدر است که دو هزار عمه چهار هزار بنا شش قران اینطور است دیگر دو قران دو قران بالا برویم در صورتیکه شاگرد بنا را از هر جا میشود پیدا کرد عمه هم زیاد میشود پیدا کرد ولی بنا مشکل است نباید چون این یکی چهار قران شد حکماً وقتی به بنا رسیدیم شش قران بشود....

آشتیان - اینجا راجع به قضات است.

وزیر عدلیه - ممکن است آقا طرز بیانی داشته باشید بنده يك طرز بیانی. منتها طرز بیان بنده خیلی ساده و خودمافی است عادت دارم باینکه مثل زده باشم آقا وقتی خواستند صحبت کنند طور دیگر صحبت کنند ولی مسلماً میدانم که اینجا صحبت در بنا و عمه نیست... حاج آقا رضا رفیع - خدا به کوزه ساز خودش را مثل میزند.

وزیر عدلیه - عجالتاً در این موضوع اشل بنده آن حدی را که میتوانستم موافقت کنم و کمیسیون بودجه هم برداشت و معین کرد همان بوده است که ملاحظه میفرمائید البته اگر بخواهیم پیشنهاد بدهیم ممکن است از حالا ناده روز دیگر پیشنهاد بدهیم و حرف بزنیم. یکی از آقایان بمن گفتند که تو چرا حرارت میکنی مگر برای خودت است. این حقوق بنده که نیست. این حقوق يك اشخاصی است که آنها میباشند و بنده میروم بنده مصلحت مملکت را این طور می بینم. بنده عقیده دارم اگر شما بخواهید يك عدلیه

داشته باشید باید مقدماتش را فراهم بکنید و در يك مواردی ممکن است شما يك پوله های زیادی هم بیخورد بدهید برای اینکه در آتیه میتوانید يك چیزی از آب در بیاورید يك تشکیلاتی داشته باشید که قابل باشد اساساً زحمت کار قضائی و مسؤولیت او بیشتر از زحمت و مسؤولیت دیگران است تنها صحبت این نیست که اگر بیشتر بهش پول بدهیم برای این است که دزدی نکنند برای این است که يك اشخاصی که در جاهای دیگر بيك مقاماتی رسیده اند و قابل هستند بیایند. غیر از این اگر بود نمیشد چنانکه سابقاً نمیشد و برای اینکه کسان دیگر که در آتیه میآیند حساب کنند که اگر بروند چندین سال تحصیل میکنند و دارای يك معلومات کاملی باشند میتوانند بیایند آنجا با آبرو مندی زندگان کنند نه اینکه مجبور شوند بروند بیسار ادارات و اشخاصی که دارای تحصیلات بودند اغلب حاضر نمیشدند برای اینکه میگفتند حقوق عدلیه کم است. اینکه گفته میشود حقوق زیاد تر داده شود روی این دلایل است. بنده معتقد بودم از اول و باز هم معتقدم که حقوق قضات باید کافی باشد و بیش از این هم مصلحت نیست کم بشود بنده نمنا میکنم از آقایان که میخواهند واقعاً موافقت بفرمایند با بنده بگذارند این کار بيك جائی برسد و در اینجا چندان حساب یکشاهی و صد دینار را نکنند تمام صرفه جوئیهاشان را در بودجه عدلیه نکنند بودجه مملکتی هم فردا میآید....

آقاسید علی اکبر آیه الله زاده اصفهانی - از عدلیه شروع شود چون آزمایش است.

حاج آقا رضا رفیع - مباحثه بین اثنتی است. وزیر عدلیه - بلی. آقا از نظر لطف شخصیشان با بنده گاهی همینطور مذاکره میکنند مدتی است در اطراف این قضیه و این پیشنهادها صحبت میشود آقایان بیایند موافقت بفرمایند همین اندازه که کمیسیون بودجه آورده است پائین همین صورت موافقت بفرمایند بالاخره

سال آتیه هم هست ادارات دیگر هم هست یوهای دیگر هم که در مملکت خرج میشود هست. خوب بود این صرفه جوئیها را آقایان در يك موقع دیگر کرده باشند و بنده تصور میکنم اگر بخواهید از این کمتر کنید بر خلاف مصلحت تشکیلاتی است که بنده خیال میکنم آن تشکیلات برای مصلحت است

نایب رئیس -- این ارقامی که اینجا نوشته شده با آن ارقامی که شفاهاً توضیح دادید تفاوت دارد چطور می خواهید رأی گرفته شود؟

مدرس -- حالا اگر آقایان صلاح میدانند تنفس داده شود که يك مذاکره بکنیم

نایب رئیس -- آقای زوار

زوار -- عرض کنم که الان ظهر است

یکی از نمایندگان -- بر میگرددیم .

زوار -- نه بر نمیگردید. بنده تجربه دارم الان اگر تنفس داده شود تا تشریف ببرید بیرون و رئیس بنشینند و بیچاره پیشخدمت داد بکشد آقایان بفرمائید سه ساعت طول میکشد و در این موضوع هم پیشنهادات داده شده و کمان میکنم راجع باین موضوع هم پیشنهادات با اندازه کافی داده شده حالا هم اگر آقایان تشریف دارند بفرمایند

نایب رئیس -- مخالفی نیست!

(اظهاری نشد)

نایب رئیس -- رأی میگیریم به پیشنهاد آقای مدرس . .

بعضی از نمایندگان -- اول بتنفس رأی بگیرید .

نایب رئیس -- مخالفی نبود

بعضی از نمایندگان -- چرا مخالف بود

نایب رئیس -- رأی گرفته میشود بتنفس آقایانیکه

موافقت تنفس بشود قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

نایب رئیس -- تصویب نشد رأی گرفته میشود به

پیشنهاد آقای مدرس آقایانیکه موافقت قیام فرمایند
(عده برخاستند)

نایب رئیس -- تصویب نشد. چون چند پیشنهاد هنوز باقی است میخواهم بطور کلی از آقایان خواهش کنم که در پیشنهادشان یکقدری با اختصار توضیح بدهند که امروز تمام شود. پیشنهاد آقای فیروز آبادی
(مضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که رتبه اول قضات پنجاه تومان و هر رتبه که بالا می رود ده تومان اضافه شود تا صد تومان و از رتبه هفت به بالا هر رتبه که بالا می رود بیست تومان اضافه شود تا رتبه ده رتبه یازده حقوقش دو بیست و پنجاه تومان باشد

نایب رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی -- بنده تعجب میکنم يك روحی در ماها پیدا شده که همه اش روح خرج است روح دخل نیست همه اش باید خرج کنیم و زیاد بدهیم. باز هم دزد است. اگر تمام دنیا را بدزد دزد است و آنکه طبیعتش دزد نیست اگر هیچ باو ندهید دزدی نخواهد کرد شما بیائید امتحان کنید به بینید در اشخاص صاحب ثروت دزد و خائن بیشتر است یا در اشخاص فقیر غالباً خائن در اشخاص صاحب ثروت است در فقرا کمتر خائن دیده میشود پس معلوم میشود که حقوق زیاد اسباب خیانت است و علاوه بر این این مملکت مقتضی این خرجها نیست اگر راستی راستی دل ما برای اهل این مملکت میسوزد یکقدری در این بودجه ها صرفه جوئی کنیم و فکر کار بجهت مملکت باشیم. بعضی از آقایان در ضمن فرمایشاتشان میفرمایند که این پول مال فقرا نیست مال اغنیاء است بنده عرض میکنم که تمام پولها حق آنهاست هم که در کمرب گرفته میشود از فقر است قند و چای و این جنسهاست که وارد میشود فقرا این مملکت غالباً مصرف میکنند. عایدی این مملکت در واقع

همه مال این فقرا بدبخت است و افراد این مملکت همه فقیرند شاید صد بکشان فقیر نباشند شما ملاحظه حال فقرا را بکنید همه اش نفرمائید پول باید زیاد داده شود که دزدی نشود. مجازات بکنید تا دزدی نشود. بنده این پیشنهاد را کردم در صورتیکه میدانم آقایان هم رأی نمیدهند اما عرضم این است که این عرایض را بکنم و بقول بعضی عوام را فریب بدهم.

نایب رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- بنده تصور میکنم مقام ریاست که توجه دادند ماده ۳۶ را آقایان ملاحظه کنند نظرشان این بود که در حدود پیشنهاد توضیح بدهند نه اینکه در پشت تریبون منقصت مملکت را بیان کنند که مملکت فقیر است خیر مملکت ما گدا نیست آقا میگویند مملکت گرفتار فقر و مسکنت است نه آقا بگو پول داریم اما باید مطابق قاعده بدهیم دیگر اینکه تمام این مسائلی که فرمودید خودتان تصدیق کنید ابداً فلسفه پیشنهادتان نبود باید در اطراف پیشنهاد که داده می شود دلیل پیشنهاد گفته شود نه يك کلی را گفتن. این است که عقیده بنده همان است که کمیسیون بودجه پیشنهاد کرده و بنده مخالفم برای اینکه عرض کردم مراتب قضات را باید محترم بشماریم و بیش از این قضات خودمان را در مقام این کلمات وارد نکنیم.

نایب رئیس -- رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای

فیروز آبادی آقایان موافقت قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)

نایب رئیس -- تصویب نشد. پیشنهاد آقای ملک

ابرج میرزا

(باین مضمون خوانده)

پیشنهاد میکنم رتبه یازده چهار صد تومان باشد

نایب رئیس -- آقای ملک ابرج میرزا

ملک ابرج میرزا -- آقای روحی فرمودند خیلی مختصر

بنده هم مختصر عرض میکنم عرض کنم که آقای وزیر عدلیه يك قدمی پیش گذاشتند که میخواهم عدلیه را اصلاح کنم همه همراهی و استقبال کردیم من جمله گفتند می خواهم عدلیه را منحل کنم همه استقبال کردند خواستند اشخاصی را که سابقه خدمت ندارند آنها را داخل کنند همه هم استقبال کردند بعقیده خودشان يك صورتی نوشتند و آوردند بکمیسیون بودجه کمیسیون بودجه هم آنچه توانست کسر کرد و آوردند اینجا در صورتیکه وزیر مالیه آمد گفت مجلس را هم من تهیه دیده ام بعد این پیشنهادها آمد آن همراهی اول یواش یواش از میان رفته حالا مطلب سر این است با اینکه شما يك عدلیه میخواهید که عدلیه باشد که امروز در دنیا بگوئید عدلیه ایران عدلیه شده با اینکه يك عدلیه مثل عدلیه سابق میخواهید اگر مثل سابق میخواهید که چرا اورا بهم زدید اگر میخواهید يك عدلیه خوب امروز باشد این عدلیه گران است. خرج دارد مردمان صحیح میخواهد مردمان تحصیل کرده و با کدامن میخواهد. این مردم گرانند. مثل میزبان خدمت آقای مدرس عرض میکنم این آقای تدبیر تحصیل کرده زحمت کشیده وجودش قیمت دارد اگر بگوئید بدون حقوق بیائید در عدلیه شاید قبول کنند اما وقتی بگویند که حقوق میگیریم والله اگر چهار صد تومان هم بهمش بدهند میگویند نمیگیریم برای چه برای اینکه وجود خودش را رسانده باینجا پس اگر مردمان درست و صحیح میخواهید و میخواهید کار کنید باید پول داد من فقیرم میدانم مملکت گداست میدانم در عدلیه که باید عرض اندام کند در مقابل عدلیه دنیا باید این قبیل مردمان باشند برای وزیر عدلیه فرق نمیکند از کم شعبانش میگردد کم رمضانش میگذارد آنوقت میرود قاضی صد تومان پیدا میکند قاضی صد تومان هم که بدرد نمیخورد دیگر باین عرایضی که کردم بیش از این هم داخل در این مذاکرات شدن جز اسباب زحمت فراهم کردن چیزی نیست خواهش

میکنم بالای همتان رودر رأی بدهید تمام شود رأی هم نگیرید. مسترد میدارم

نایب رئیس - توضیحی که دادید راجع به پیشنهاد نبود میخواهید رأی گرفته شود؟

ملك ابرج میرزا - مسترد میدارم

نایب رئیس - پیشنهاد آقای ضیاء

(مضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میبایم که میزان حقوق رتب بازده گانه مندرجه در ماده واحده پیشنهادی کمیسیون بودجه حد اکثر حقوق قضات تصویب شود

بعضی از نمایندگان - حاضر نیستند

(در این موقع آقای ضیاء از خارج مجلس وارد شدند)

نایب رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - پیشنهاد بنده که قرائت شد مبنی بر يك ابهامی که ماده پیشنهادی کمیسیون دارد اگر آقای وزیر عدلیه و اعضاء محترم کمیسیون بودجه این ابهام را رفع کنند بنده هم پیشنهاد را مسترد میدارم و این ابهام عبارت است از اینکه این میزان را که معین کرده اند حد اقل است یا حد اقل یا حد اکثر اگر حد اکثر باشد درست مساوی است با نظر آقایان نمایندگان که روهمرفته يك تقلیل قائل هستند اما اگر حد اکثر باشد بیشتر باید در او صحبت داشت چون در قانون استخدام مستخدمین قضات ذکر میکند که میزان حد اقل مقرری هر رتبه در هر سال بموجب قانون بودجه معین میشود بعبارة آخری این ماده واحده پیشنهادی کمیسیون درست همان تصویب سال اول است که معین میکند مقرری قضات را در هر رتبه و ماه تجربه داریم و قتیکه در سال يك حدی معین شد يك مبلغی تصویب شد دیگر كسرش از انصاف هم خارج است اگر فرضاً برای مستخدمین كشوري هم خواسته باشیم یا موجبات همچو اقتضا کند که پنجهزار هم كسر بکنیم میببینیم نسبت زندگانی يك مردمانی که

خواهید کرد اضافه میشود میشود شصت و پنج تومان بعبارة اخري پیشنهاد بنده عبارت است از علاوه کردن يك كلمه بر این ماده و آن عبارت است از این که در اول ماده واحده اضافه شود میزان حد اکثر حقوق مستخدمین در هر رتبه آنوقت موافق مواد قانون مستخدمین قضات و كشوري بالاخره همین پیشنهادی کمیسیون خواهد شد چهار صد و پنجاه تومان اما اگر چنانچه ما ذکر نکنیم و این ابهام برداشته نشود نتیجه این می شود که بر این چهار صد و پنجاه تومان که برای رتبه بازده پیشنهاد شده است هفتاد و پنج تومان هم علاوه خواهد شد میشود ۵۲۵ تومان و همچنین برای هر رتبه يك مبلغی از میزان پیشنهادی کمیسیون بیشتر خواهد شد این است که بنده قائلم یا وزیر یا مخبر کمیسیون اصلاً این ابهام را بردارند و بگویند این میزان حد اکثر است و بگویند این میزان حقوقی است که داده میشود والا مادام که این ابهام در قانون هست ممکن است این طور عمل شود و بمنزله حد اقل تلقی کنند از این جهت بنده عقیده ام این است که جمله حد اکثر باید ذکر شود

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده میدانم آقای داور چه بیانی خواهند فرمود اساساً بهتر این بود که وارد این قسمت نشویم و همانطور که در جواب آقای احتشام زاده گفته شد خوب بود مسکوت بماند و خود بنده معتقدم این مبلغ که ذکر شده حد اکثر است حالا که مذاکره حد اقل و اکثر بمیان آمد بنده عقیده ام این است که صحبتی از این مطلب نشود تا در کمیسیون عدلیه مسئله را حل کنیم و البته در کمیسیون که آقای مدرس رئیس خواهند شد قطعاً این مبلغ را حد اکثر تشخیص خواهد داد و از آقای وزیر عدلیه خواهشمندم که این پیشنهاد شمارا قبول بکنند که این مبلغ حد اکثر باشد و آقایان هم همراهی کنند تا زودتر این لایحه بگذرد.

وزیر عدلیه - گاهی در اینجا يك اشتباهائی میشود يك وقت موضوع این است که این مستخدمینی که وارد خدمت میشود بچه حقوق باید وارد شود. و يك وقت مسئله این است که اگر کسی چند سال متوالی در يك رتبه باقی ماند آیا باید يك اضافه باو داده شود یا نه؟ چنانچه قانون استخدام هم این اصل را قبول کرده و قائل شده که اگر يك مستخدمی چند سال در يك رتبه ماند و جای خالی برای ترفیع او نبود يك سدس ممکن است باو اضافه داده شود. حالاً ممکن است این ترتیب بدباشد در هر حال بنده نمیکویم این خوب اصلی است ولی در هر حال این هست حالا اثر مضر است باید در موقعش اصلاح شود در هر حال بهتر این است که امروز در این موضوع صحبت نکنیم و بگذاریم برای بعد و بنده مناسب میدانم که آقا پیشنهادشان را مسترد نفرمایند.

نایب رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای

ضیاء آقایان موافقین قیام فرمایند

(معدودی قیام کردند)

نایب رئیس - تصویب نشد پیشنهاد آقای زعیم

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم اصل حقوق قضائی مطابق تشخیص کمیسیون بودجه پنجاه تومان و نارتبه چهار صد و بیست و پنج و از رتبه پنج ناهفت صد بیست و از رتبه هشت ناده صد بازده رتبه مادون مقرر گردد در مورد رئیس و مدعی العموم دیوان عالی تمیز سابقه خدمت قضائی منظور نگردد و حقوق این دو شغل سیصد تومان خواهد بود

نایب رئیس - آقای زعیم

زعیم - اگر چه وقت خیلی گذشته است از ظهر هم خیلی رفته. فرانسوها يك مثلی دارند که میگویند شکم گرسنه گوش شنوا ندارد. ولی بنده ناچارم برای این پیشنهاد خودم توضیحاتی عرض کنم و امیدوارم

آقایان بان التفات بفرمایند. در جلسه قبل که آقای مدرس آن پیشنهاد را کردند خود آقای داور هم در ضمن بیانات مفصلی که ذکر فرمودند ضمناً تصدیق کردند که در مورد تشکیل بودجه های مملکتی باید قدرت و توانائی مملکت را کاملاً مد نظر قرار داد و امروز هم باز این قضیه را تکرار کردند و در ضمن بیاناتشان نه تصریحاً ولی ضمناً می فرمودند که خرج زیاد امروزه برای این مملکت مضر است و خلاصه آنکه تمام اظهارات را تصدیق کردند جز اینکه يك امائی فرمودند. همان امائی که در اینجا خودشان بار لعنت می کردند و دشنام میدادند اما معتقدند که این نکته اساسی در مورد بودجه عدلیه مرعی و مراعات نکردد و از جای دیگر شروع شود. مثلی است که مردم این طور همیشه قضاوت میکنند که مرك حق است ولی برای همسایه. اما چه ما میگوئیم و مقصودمان از این پیشنهاد های مکرر چیست؟

ما میگوئیم بیکاری سراسر این مملکت را فرا گرفته و بد بختانه در این ادوار اخیر ما يك کاری که مولد زوت باشد برای مردم تهیه نکرده ایم. و اگر چندی باین منوال بگذرد و بهمین سیره و حال باقی بمانیم قطعاً و یقیناً وزارت مالیه موفق بوصول این عایدات مختصر هم نخواهد شد. علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد. ما باید تشکیلات ادارات و بودجه های خودمان را طوری تهیه و تنظیم کنیم که گرفتار آکسیون این وضعیات نشویم. در جلسه قبل آقای وزیر مالیه يك تذکری دادند و گفتند اگر يك عدم رضایت هائی در کار است نباید در مورد بودجه ها دخالت داد بنده کاملاً می توانم قسم بخورم که پیرو این نظر هستم حتی بطور افراطی هم هستم زیرا ما که اینجا نشسته ایم بنام نمایندگی دارای دو جنبه هستیم. یکی خصوصی و شخصی و یکی هم جنبه سیاسی و مسالکی. از نقطه نظر جنبه خصوصی بنده با آقای وزیر هیچگونه مغایرتی نداشتم و کاملاً هم خصوصیت داشته ام.

نایب رئیس - راجع به پیشنهاد خودتان حرف بنید زعیم - اجازه بفرمائید عرض میکنم. اما از نظر جنبه سیاسی بنده گمان نمیکنم این طرز زمامداری با نظر بنده و شاید عده از رفقای بنده موافقت داشته باشد اصلاً عقیده ما این است که ادامه این وضعیت باین شکل که؛ از يك مشت مردم اسف روزگاری باین صورت دلخراش که همه میدانیم و همه روزه هم در اطراف آن صحبت میکنم پول گرفته شود و بيك عده دیگر بدون منظور داشتن استفاده بدون استحقاق داده شود. و بالتبع به این شکل که اگر کسی دردی هم دارد نداند بکی بگوید نادر شود با اگر عرض دارد نداند به کجا تظلم کند که رسیدگی شود بعقیده ما ادامه چنین وضعی برای این مملکت بد است و با این اختلاف نظر کلی معذک خدا شاهد است که ما هیچ وجه نظر مخالفت سیاسی را هم در این قضیه دخالت نداریم فقط و فقط و منحصرأ قدرت و استطاعت مملکت را در نظر آوردیم و تنها داریم که بودجه از روی استطاعت مالی مملکت و مردم نوشته شود. اما چرا امروز در اطراف این بودجه حرف زده میشود؟ برای این است که بودجه عدلیه بر سایر بودجه ها تقدم یافته و اساس دستور مجلس و بودجه های مملکتی شده. چنانچه آقای مدرس هم در جلسه قبل در ضمن مذاکراتشان شرحی راجع به بودجه های مملکتی حتی راجع بحقوق آقایان نمایندگان مذاکره فرمودند - يك چیز دیگر هم هست که اینجا گفته نشده و بنده باید آنرا عرض کنم. در اینجا گفته شد در چند ماه قبل از این موقع انحلال تشکیلات عدلیه ما مطمئن بودیم که حد اقل حقوق رتبه اول عدلیه پنجاه تومان و حد اکثر رتبه عالی چهار صد تومان قرارداده خواهد شد. اگر خاطر آقایان باشد پیشنهاد کنند این موضوع خود بنده بودم ولی خواهش میکنم آن موقع را هم آقایان بنظر بیاورند. در آلمان آقای داور به شش قضائی بنده برخلاف نص صریح قانون اساسی عدلیه

را منحل کردند و در آنوقت از مجلس میرفت يك حقی که نظارت در خرج باشد فوت شود. ما ناچار در آن موقع بقول امروز او پورنوئیست شدیم یعنی از اصل و بر نسب خود مان تخفیف دادیم و قائل بر تخفیف و کمات شدیم برای اینکه يك اصل مهم تري که عبارت از نظر مجلس در مخارج باشد از بین رفته باشد و در عهد ما يك یادکاری به غلط گذارده نشده باشد. این بود که در آلمان ما معتقد شدیم که حداقل رتبه عدلیه پنجاه تومان باشد ولی امروز که بودجه های مملکتی جلو آمده بنده کاملاً معتقدم باینست که فلسفه و دلالتی اقامه کرد که مبتنی بر جمع جهاب باشد. اساس اصل عدلیه را بنده هم موافقم همان طوری که کمیسیون عدلیه هم معین کرده باشد و همان پنجاه تومانیکه که در نظر گرفته اند خوب است و بنده هم موافقم ولی از آن بیالازر یعنی از رتبه اول که پنجاه تومان باشد تا رتبه چهار را معتقدم که صد بیست و پنج علاوه شود و این تطبیق میکند تقریباً با همان صورتی که از کمیسیون بودجه بیرون آمده است. از رتبه پنج تا رتبه هفت را معتقدم که صد بیست علاوه شود و این قسمت هم غیر از رتبه هفت که يك قدری کمتر میشود مابقی تقریباً با صورت کمیسیون بودجه تطبیق می شود مثلاً اینجا رتبه پنج را صد بیست تومان گرفته اند و رتبه شش را صد و پنجاه تومان مطابق حساب بنده هم تقریباً همینطور میشود و رتبه هفت يك چیزی کمتر میشود و از رتبه هفت تا ده (با اینکه من بیشتر از ده رتبه قضائی قائل نیستم) معتقدم که صد پانزده علاوه شود. در این قسمت يك قدری کمتر از آنچه که کمیسیون بودجه معین کرده بود میشود ولی حالا ما چرا این نظر را داریم برای این است که مخارج در مملکت ما بالاخره يك حدودی دارد که همه میدانیم. البته يك تفرقائی درجه اول را که پنجاه تومان باو میدهیم این مبلغ را وقتی تطبیق کنیم با گران مخارج و وضعیات امروزه می بینیم حقیقتاً کمتر از این مبلغ نمیتوان داد ولی رتبه

های عالی را اگر بنا شود حقوق زیاد بدهیم موجب میشود که بر تجمعات آنها افزوده شود اساس خرج نیست بلکه فضول عیش است از این جهت بنده پیشنهاد کردم که رتبه هفت تا رتبه ده صد پانزده علاوه شود و امارتیه بازده که عبارت از رئیس تمیز و مدعی العموم دیوان تمیز باشد او را معتقدم که اصلاً جزو کاربرد اداری نباید قرار داد و از سابقه خدمت باید خارج باشد. چنانچه در قانون استخدام هم سفیر کبیر و ولات ایالات را از کاربرد اداری خارج کرده. از این جهت نباید داخل رتبه بندی کرد. ما چون تا بحال يك عدلیه نداشتم که اشخاصی با رتبه بندی باین درجه رسیده باشند و اشخاصیکه برای کار دعوت میشد سابقه خدمتشان کم بوده از این جهت بنده گمان میکنم بهتر این است که ما این مقام را داخل در رتبه بندی نکنیم و گمان میکنم برای پیشرفت کار و پیدا کردن اشخاص خوب مفیدتر است.

يك نکته دیگری هم هست که در این جا گفته میشود و آن است که بعضی از آقایان اظهار میفرمایند اگر بقضاة حقوق زیاد داده شود از رشوه گرفتن و اختلاس جلوگیری بعمل میآید. این نکته را بنده میخواستم تذکر بدهم خدمت آقایان که قضاوت ما از روی طرز قضاوت فرانسه است.

بعضی از نمایندگان - ماده شصت و سه.

نایب رئیس - (خطاب به آقای زعیم) گمان میکنم

بقدر کفایت در پیشنهاد خودتان مذاکره فرمودید

وزیر عدلیه - عرض میکنم بنده خیال میکنم بر خلاف آنچه که آقایان میگویند که مذاکره نشده است از جلسه قبل تا بحال جز در اطراف این ماده مذاکره دیگری نشده است.

حاج میرزا مرتضی - باید هم حرف زده شود. قضایای

کوچکی نیست.

(صدای زنگ)

نایب رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی خوب است توجه کنید
وزیر عدلیه - بنده يك چیز تازه نمی توانم در مقابل فرمایش نماینده محترم عرض کنم برای اینکه ایشان هم یک چیز تازه فرمودند مذاکراتی که کردند راجع بیک موضوعی بود که سایر آقایان هم همان را فرمودند و آن این بود که اظهار شد ما باید کم پول بدهیم و با پول زیاد هم نمیشود از کار بد جلو گیری کرد. این ها مطالبی بود که گفته شده

زعیم - یکی هم نسبت
وزیر عدلیه - بلی. یکی هم تناسب که بنده جوابش را عرض کردم. الان آقای مدرس میفرمودند که باید يك نسبتی در کار باشد و حالا بقراری که توافق نظرین آقایان حاصل شده مبنی بر اینکه صد بیست و پنج اضافه شود این ترتیب چون با آن چیزی که بنده کرده ام چندان فرقی ندارد بای اینکه اوقات آقایان هم تلخ شود و از ظهر هم مقداری گذشته عصبانیت هست و برای اینکه زود تر مسئله تمام شوند بنده همین ترتیب را قبول میکنم و بنده حالا نمیخواهم آن کلمه را که یکی از آقایان نمایندگان فرمودند که «دیگر بسته به همت خودتان است» تکرار کنم.

نایب رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای زعیم. آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.
(معدودی قیام کردند)

نایب رئیس - تصویب نشد. شش نفر از آقایان تقریباً يك پیشنهاد متحدی کرده اند در سه پیشنهاد یعنی سه تا در یکی. پیشنهاد آقای عدل قرائت میشود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده واحده به ترتیب ذیل اصلاح شود:

حد اقل حقوق قضاة و صاحبمنصبان پارک و مدیران

دفتر که دارای رتبه قضائی هستند به ترتیب ذیل مقرر است:

رتبه اول پنجاه تومان رتبه نازده از قرار صدی بیست پنج از رتبه مادون رتبه داده شود، (عدل)
وزیر عدلیه - اجازه میفرمایند عرض کنم خوب است اقا موافقت بفرمایند این طور نوشته شود:

حقوق رتبه ها بترتیب ذیل مقرر شود:

حاج آقا رضا رفیع - قبول کردند

نایب رئیس - در اینصورت محتاج بقرائت پیشنهاد های دیگر نیست زیرا همه تقریباً همین مضمون است پیشنهاد آقای مهدوی.

(بشرح آنی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم اول رتبه پنجاه تومان و بهررتبه صد بیست و پنج اضافه شود.
وزیر عدلیه - این خوب است. دیگر حد اقل لازم ندارد.

نایب رئیس - پیشنهاد آقای فهیمی

(باین مضمون خوانده شد)

پیشنهاد میکنم صدی بیست و پنج رتبه مادون به ترتیب ذیل قائل و تصویب شود.

- ۱ - پنجاه ۲ - شصت و دو ۳ - هفتاد و هفت
- ۴ - نود و شش ۵ - صد و بیست ۶ - صد و پنجاه
- ۷ - صد و هشتاد و هفت ۸ - دویست و سی و سه
- ۹ - دویست و نود و يك ۱۰ - سیصد و شصت و سه
- ۱۱ - چهار صد و پنجاه

نایب رئیس - پیشنهاد آقای کازرونی.

(باین کیفیت خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که حقوق قضات بهر درجه مافوق صدی بیست و پنج از حقوق مادون اضافه داده شود

نایب رئیس - آقای عدل

عدل - عرض میشود بنده باین اشلی که کمیسیون بودجه آورده اصولاً موافقم. یعنی تصور میکنم اگر آقایان بقانون استخدام کشوری مراجعه بفرمایند ملاحظه خواهند فرمود که در اینجا اینقدر ها اضافه داده نشده است و تقریباً بهمان اندازه که بکنفر قاضی باید اضافه از دیگران داشته باشد منظور شده و تناسب این قاضی و سایر مستخدمین کشوری رعایت شده ولی چون حضرت آقای مدرس يك اصلی را بیان فرمودند که صحیح بود. و در هر حال دولت و مجلس يك اصلی را باید قائل شوند. و يك قانونی در نظر بگیرند که ثابت باشد. و اگر يك موقعی مجلس خواست بودجه ها را باین و بالا ببرد مجبور نشود تمام رتبه ها را تغییر بدهد از این نظر رتبه هائی که بالا میروند باید از روی يك اساس و قانونی بالا بروند. چنانچه در قانون استخدام کشوری هم هست و يك مأخذی را گرفته بودند حالا هم اگر مأخذ را همان صد بیست میگردیم يك قدری باین میامد و کم میشد یعنی بان اندازه که قاضی باید اضافه از دیگران حقوق داشته باشد باو نمیرسد. از این جهت مأخذ واصل را صدی بیست و پنج قرار دادیم و بالا بردیم و این طور تقریباً تطبیق میکنند با همان لایحه که کمیسیون بودجه به مجلس آورده منتهی با يك مختصر فرق و تفاوتی. مثلاً آنجا نوشته اند درجه يك پنجاه تومان و رتبه دو شصت و پنج تومان الی آخر رتبه سه در آن قانون هشتاد تومان است ولی بموجب این ترتیبی که مأخذ گرفته ایم هفتاد و هشت تومان میشود رتبه چهار در آنجا صد تومان است و در این جا نود و هفت تومان و شش قران. رتبه پنج در آنجا صد و بیست و پنج تومان است. در اینجا صد و بیست و دو تومان میشود. رتبه شش در آنجا صد و پنجاه تومان است و بموجب این حساب صد و چهل و سه تومان میشود. بعضی از نمایندگان - صد و پنجاه تومان میشود

عدل - خوب هرچه بشود بعد درست میکنم. کم

و کسرش را بعد اصلاح میکنم مقصود این است که از روی يك قاعده باشد و بهرکس هرچه داده میشود از روی همین ترتیب صدی بیست و پنج باید باشد و همین مأخذ را باید حساب کرد و بالا برد و داد. این ارقامی که بنده خواندم من باب اطلاع آقایان بود. رتبه هشت را دویست و چهل تومان نوشته اند در این جا دویست و چهل و سه تومان میشود. رتبه نه دویست و نود تومان است اینجا دویست و هشتاد تومان میشود. رتبه یازده را چهار صد و پنجاه تومان نوشته اند در این جا چهار صد و پنجاه و سه تومان میشود. و آن مطلب عشور که گفتند (بعضی - کسور نه عشور) بلی. کسور در این جا محتاج بذکر آن نیست و مطلب واضح است زیرا در قانون استخدام کشوری هم يك ماده هست حاکی بر اینکه کسور به منفعت دولت ضبط میشود و دیگر لازم نیست در اینجا تکرار کنیم. و بنده تصور میکنم با این ترتیب تمام اشکالات آقایان رفع خواهد شد.

مخبر - اکثریت کمیسیون با این پیشنهاد موافق است.
مدرس - با کسر کسور به منفعت دولت.
مخبر - آن يك قانون علیحده دار بنده باین پیشنهاد موافقم با آن اصلاح عبارتی که در اینجا آقای وزیر عدلیه پیشنهاد کردند.

وزیر عدلیه - اجازه بفرمائید؟ عبارت ماده باید باین ترتیبی که عرض میکنم نوشته شود: حقوق رتبه های قضائی بترتیب ذیل مقرر خواهد شد. در باب کسور هم که بعضی از آقایان اشاره فرمودند همینقدر عرض میکنم که اگر پیشنهادی بشود بنده حاضرم قبول کنم زعیم - مقصود کسور تومان است.

وزیر عدلیه - بلی. میدانم (کسور تا يك تومان بمنفعت دولت ضبط خواهد شد) پیشنهاد هم اگر بشود قبول میکنم

کازرونی - بنده این را پیشنهاد کرده ام.

وزیر عدلیه - بنده موافقم .

نایب رئیس - این پیشنهاد را که دولت قبول کردند چند فقره پیشنهاد دیگر هست که هر کدام مختصر تغییری در عبارت دارد . مثلاً پیشنهاد آقای فهیمی و دیگران تفصیل داده اند ارقام را . در پیشنهاد آقای مهدوی جمله مادون ذکر نشده است . در پیشنهاد آقای کازرونی اضافه شده است : کشور به منفعت دولت ضبط میشود . لهذا هر کدام از این پیشنهادات جدا جدا رأی دارد . راجع به مسئله کشور بمنفعت دولت ضبط خواهد شد پیشنهادی آقای کازرونی را دولت قبول فرمودند .

نایب رئیس - پیشنهاد آقای فهیمی (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده واحده بطریق ذیل نوشته شود ماده واحده : حقوق مراتب قضاة و صاحبمنصبان پارک و مدیران دفاتر محاکم که دارای رتبه قضائی هستند بترتیب ذیل مقرر است حقوق رتبه اول از پائین پنجاه تومان و رتبه های بالاتر مساوی خواهد بود با حقوق رتبه مادون بعلاوه ربع بلاکسر آن

نایب رئیس - این تقریباً همان پیشنهادی است که قبول نشد . پیشنهاد آقای فرشی (باین نهج قرائت شد)

این بنده اصلاح اشل عدلیه را به ترتیب ذیل پیشنهاد میکنم . رتبه يك الي چهار بترتیبی که کمیسیون بودجه تصویب کرده از رتبه پنج الی هفت از قرار صد بیست بطور مساعدی علاوه و از رتبه هشت الی رتبه ده از قرار صد بیست و پنج رتبه یازده . چهار صد تومان به ترتیب ذیل : رتبه يك پنجاه رتبه دو شصت و پنج . رتبه ۳ هشتاد . رتبه ۴ صد . رتبه ۵ صد بیست . شش صد و چهل و چهار . هفت صد و هفتاد و هشت . دویست و سه نه دویست و پنجاه و چهار . ده سیصد و شانزده . یازده چهارصد

نایب رئیس - آقای فرشی

حاج میرزا آقا فرشی - چون این پیشنهادی را که آقایان داده اند اصولاً نزدیک به پیشنهاد بنده است از این جهت بنده پیشنهاد خود را پس میگیرم و موافقم با پیشنهاد آقای عدل

نایب رئیس - پیشنهاد آقای ضیاء (باین مضمون خوانده شد)

حقیر پیشنهاد میکنم که ماده واحده پیشنهاد کمیسیون بترتیب ذیل اصلاح شود .

ماده واحده - حد اقل حقوق قضات و صاحبمنصبان پارک و مدیران دفاتر که دارای رتبه قضائی هستند بترتیب ذیل مقرر است

رتبه يك چهل و دو تومان - دو پنجاه و پنج تومان سه شصت و هفت تومان . چهار هشتاد و چهار تومان پنج صد و پنجاه تومان - شش صد و بیست و پنج تومان هفت صد و پنجاه نه تومان . هشت دویست تومان - نه دویست و چهل و دو تومان - ده دویست و نود و دو تومان - یازده سیصد و هفتاد تومان - و بقیه مطابق ماده واحده پیشنهادی کمیسیون خواهد بود ضیاء

نایب رئیس - آقای ضیاء

آقا سید ابراهیم ضیاء - این پیشنهاد را قبل از پیشنهاد آقایان تقدیم کرده بودم ولی موافق حسابی که رفقای بنده کرده اند این پیشنهاد آقایان تصور میکنم بیشتر از ارقام پیشنهادی کمیسیون خواهد شد . بعقیده بنده اگر آقایان درست توجه بفرمایند مخصوصاً در این موضوع که فردا صورت قانونیت پیدا خواهد کرد خیلی بهتر است اگر آقایان نمایندگان فهیمه تر و دانسته تر رأی بدهند خیلی بهتر است از این جهت اگر آقایان موافقت بفرمایند بنده پیشنهاد میکنم جلسه ختم شود و در جلسه آتی این مسئله مطرح شود تا از روی بصیرت و مطالعه کامل رأی داده شود

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم که در همه چیز می شود بحث کرد جز اینکه دو دو تا چهارتا میشود در این پیشنهادی که شده خوب است آقایان ملاحظه بفرمایند به عقیده بنده تفاوت فاحشی ندارد در بعضی از اقلام چند تومان کسر میشود و در بعضی دیگر مختصری زیاد میشود در هر حال آنطوریکه تصور فرموده اید نیست و رو به مرافقه بمنفعت دولت است جز اینکه در دو مرتبه آخر بکندری گویا یازده تومان زیاد میشود ولی از سایر رتبه ها کم میشود . بنده استدعا میکنم آقایان همین ترتیب را در نظر بگیرند و بنده مخصوصاً این را به آقایان وکلای ولایات عرض میکنم که شما همی آئید و بمن فشار میآورید و میفرمائید که از ولایات بنا نوشته اند که حقوق قضاة رسیده و شما آقایان که میفرمائید شکایت دارید چرا حقوق ولایات تاکنون رسیده عرض میکنم که اگر این کار را ننگذرانید بودجه حقوق ولایات داده نخواهد شد و بنا بر این مسئولیتش بمعهد شما خواهد بود .

نایب رئیس - آقای ضیاء پیشنهاد ختم جلسه کرده اند زوار - بنده مخالفم . نایب رئیس - آقای ضیاء

آقا سید ابراهیم ضیاء - آقای وزیر عدلیه و سایر رفقای پارلمان من میدانند که من نظر در جریان گذشته هیچ وقت نداشته و ندارم ایشان و هر کسی که کوچک ترین نظری از من نسبت بجرین عدلیه دارد اظهار بدارد آنوقت هر نسبتی که میخواهد به من بدهد .

اما يك موضوعی که پی حساب در کار است ، يك رأی که مربوط بامور مالی است و الان در بین خود آقایان اختلاف نظر است . بین طور که بعضی میفرمایند زیاد میشود و بعضی دیگر میگویند کم میشود و درست مطلب معلوم نیست . چنانچه آقای وزیر عدلیه میفرمایند در بعضی جاها یازده تومان زیاد میشود و از سایر رتبه ها چهار پنج تومان کم میشود در يك همچو مسئله که اختلاف نظر پیش آمده تصدیق خواهید فرمود که

نمیشود بدون حساب رأی قطعی داد . از این جهت بنده پیشنهاد کردم که حالا جلسه ختم شود یا امروز عصر یا روز سه شنبه جلسه بشود و تا آنوقت آقایان هم مطالعات دقیق خودشان را بفرمایند و فهمیده و دانسته رأی بدهند .

نایب رئیس - آقای زوار

زوار - عرضی ندارم .

نایب رئیس - آقای اعتبار

میرزا سید احمد خان اعتبار - عرض بنده این است که در خصوص حساب این ارقام میخواستم به آقای ضیاء عرض کنم . . .

بعضی از نمایندگان - راجع بختم جلسه است اعتبار - بنده تصور میکنم نگران آقای ضیاء در حساب این ارقام موجبی ندارد زیرا اساساً در رتبه ها کم میشود فقط در دو رتبه که یکی رتبه ده است که سیزده تومان علاوه میشود و دیگر رتبه یازده است که سه تومان اضافه میشود ولی بقیه تقریباً همان نسبت است و هیچ فرقی ندارد و روی هم رفته این حساب به نفع مملکت است

نایب رئیس - رأی گرفته میشود بختم جلسه آقایان که موافقت قیام فرمایند .

(چند نفری قیام کردند)

نایب رئیس - تصویب نشد . رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای ضیاء . آقایان موافقت قیام فرمایند .

(معدودی برخاستند)

نایب رئیس - قابل توجه نشد .

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

(باین مضمون خوانده شد)

تبصره ذیلرا پیشنهاد میکنم .

تبصره - حقوق اشخاصی که دارای رتبه قضائی هستند از اول تشکیلات جدید مطابق همین ماده واحده

محبوب خواهد شد.

نایب رئیس - آقای آفاسید بعقوب

آفاسید بعقوب بنده نمیخواهم در این موضوع زیاد حرف بزنم و این يك مسئله است که هم روح مجلس با آن موافق است و هم شخص آقای وزیر با آن موافقتند. مقصود هم این است که هم يك قدمی برای اصلاح برداشته باشیم و هم يك صرفه جوئی هم شده باشد. و البته این چیزی است که همه موافقتند مخیر - بنده قبول میکنم.

نایب رئیس - پیشنهاد آقای حاج میرزا مرتضی.

(باین ترتیب خوانده شد)

پیشنهاد میکنم از رتبه اول خمس بالا برود تا رتبه یازده.

نایب رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی

حاج میرزا مرتضی - چون آقای عدل فرمودند که بعضی از نمایندگان - این پیشنهاد رد شده. همان پیشنهاد آقای مدرس بود که رد شد. دیگر موضوعی ندار نایب رئیس - صحیح است. این پیشنهاد رد شده در واقع همان پیشنهادی است. که رد شد تنها بصورت دیگری در آمده.

حاج میرزا مرتضی - خیر رد نشده اجازه میفرمایند

نایب رئیس - بچه دلیل میفرمائید رد نشده؟

حاج میرزا مرتضی - بدلیل اینکه بنده خمس پیشنهاد کرده ام.

نایب رئیس - خمس همان صد بیست است که آقای

مدرس پیشنهاد کردند و رد شد، حالا همان ماده که مخیر کمیسیون قبول کردند با اصلاحاتی که شده قرائت میشود، فعلاً پیشنهاد آقای فیروز آبادی قرائت میشود (بطریق ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که از رتبه اول شش يك اضافه

شود تا رتبه یازده. فیروز آبادی

نایب رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - اولاً شش يك نیست و صد شش است ثانیاً عرض میکنم این صد و بیست و پنجمی که آقایان پیشنهاد کرده اند و در بعضی از اقلامش اصولاً از آنچه که خود کمیسیون هم پیشنهاد کرده زیاد تر میشود در صورتیکه بنده بارها عرض کرده ام این مخارج مناسب با حال و وضعیت مملکت ما نیست و باید يك قدری این مخارج را تقلیل داد.

نایب رئیس - آقایان توضیح که میفرمائید راجع بکلیات است. مختصر بفرمائید.

فیروز آبادی - بنده در این مسئله نظر دارم و حق دارم عرض خود را مکرر اظهار کنم غرض از عرض بنده این است که این صدی بیست و پنج خیلی زیاد میشود و يك تبعیض در بین رتبه ها ایجاد میکند حالا که این طریق است بهتر این است که يك شش يك بهر رتبه افزوده شود تا آخر باین ترتیب که رتبه دوم همان رتبه اول باشد با اضافه يك شش يك رتبه سوم هم يك شش يك از رتبه دوم زیاد تر همین ترتیب بالا برود و این ترتیب برای مردم هم مناسب تر است و يك طوری است که خیلی مخارج از وضعیات حال این مردم هم نیست. باین ملاحظه بنده این پیشنهاد را کردم و امیدوارم آقایان قبول بفرمایند، بعضی از نمایندگان - رای

نایب رئیس - رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای

فیروز آبادی آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (معدودی برخاستند)

نایب رئیس - رد شد پیشنهاد آقای بدر

(بعبارت ذیل خوانده شد)

پیشنهاد مینماید که بلائحه کمیسیون بودجه بدرن تغییر رای گرفته شود.

نایب رئیس - آقای بدر

بدر - این اصلاحی که در باب حساب شده بنده میبینم اختلاف نظر در بین آقایان تولید شده وقت و فرصت هم آنطوری که لازم است ندارند برای اینکه بتوانند درست حساب کنند و با همه حال معلوم هم نیست که از لایحه کمیسیون کمتر شود بلکه ظن قوی این است که زیاد تر خواهد شد باین ملاحظه شده پیشنهاد کردم که بهمان لایحه کمیسیون رای گرفته شود.

نایب رئیس - آقای حاج آقارضا رفیع

حاج آقارضا رفیع - يك لایحه از کمیسیون بودجه به مجلس آمد چند روز است که در اینجا مطرح است و جزو دستور است. اگر آقایان موافق بودند چرا این مذاکرات و مخالفت ها را کردند و چرا خود آقای بدر تا کنون مخالف بودند و آن پیشنهاد را تقدیم کردند. بالاخره پس از مذاکرات زیاد يك توافق نظری بین آقایان و کمیسیون و دولت حاصل شده به عقیده بنده بهتر این است که همین پیشنهاد رای بگیری و کار را تمام کنید نایب رئیس - رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای بدر. آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(دو سه نفر قیام کردند)

نایب رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای حاج

میرزا مرتضی.

(بشرح ذیل خوانده شده)

بنده پیشنهاد میکنم از رتبه اول صدی بیست و يك اضافه شود.

نایب رئیس - این درست نیست. معذرت بفرمائید

حاج میرزا مرتضی - چون آن پیشنهاد سابق بنده با پیشنهاد آقای مدرس یکی بود و رد شده بود از این جهت بنده پیشنهاد مرا عوض کردم و بجای خمس صدی بیست و يك نوشتم که اضافه شود. زیرا آن پیشنهادی که آقای عدل کردند زیاد تر از آنچه که کمیسیون معین کرده میشود.

بعضی از نمایندگان - خیر. زیاد تر نمیشود.

حاج میرزا مرتضی - بنده عرض میکنم زیاد تر میشود. شما میفرمائید نمیشود پس خوب است تنفس بدهید و در بیرون برویم و حساب کنیم. رسیدگی کنیم به بینیم آیا واقعاً زیاد میشود یا نمیشود تا پس از مطالعه از روی دقت و فهمیده رای بدهیم. پس خوب است مهلت بدهید نه اینکه هر کس يك چیزی بگوید و هی متصل گفته شود رای رای. آخر بگذارید همه حرف خودشان را بزنند. نه اینکه طوری بشود که کور کورانه هر چه آوردند ما رای بدهیم. اینکه وضعیت مجلس نیست خوبست سبر کنید تا ما حساب کنیم اگر دیدیم کمتر شد ما هم که با شما موافقت خواهیم کرد. اگر کمتر نشد که فکر دیگری نکنیم بگذارید ما هم حرف خودمان را بزنیم. و این ترتیب خودش هم برای دولت کمزاست و هم برای مردم آقایانی که در وزارت عدلیه برده اند از دیگران که عزیز تر نیستند. برای چه يك دفعه حقوقشان باید چهار صد و پانصد بشود آخر باید دید این پولها از کی گرفته میشود و بکلیها باید داده شود؟ بنده يك اشخاصی را سراغ دارم که در وزارت مالیه ماهی ده تومان یازده تومان میگرفته اند و این اشخاص را برده اند در وزارت عدلیه و يك مرتبه ماهی هشتاد تومان بود خون نیست که ماهی بیائیم و در اینجا این حقوقات کزاف را برای اشخاص تصویب کنیم و در واقع مال مردم را بيك عده بیخشیم

مخیر - کمیسیون این پیشنهاد را قبول نمیکند

نایب رئیس - برای اینکه باین پیشنهاد رای گرفته شود باید مقصودتان را صریحاً معین کنید صد و بیست و يك که نوشته اید معنی ندارد. در هر حال رای گرفته میشود. آقایانیکه پیشنهاد آقای حاج میرزا مرتضی را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(دو سه نفر قیام کردند)

نایب رئیس - قابل توجه نشد. آقای فیروز آبادی دو باره ختم جلسه را پیشنهاد کرده اند (فرمائید) فیروز آبادی - اولاً چون وقت خیلی گذشته و بعضی ها از حال طبیعی بیرون هستند و ملتفت کم و زیاد این چیزها نمیشوند بحال و حال حساب کردن را ندارند حق هم دارند (گرچه خوب است يك قدری زیادتر در این جا تشریف داشته باشند و بمانند تا از حال گرفته ها بهتر اطلاع پیدا کنند). از اینجهت بنده پیشنهاد کردم جلسه ختم شود و امروز عصر با پس فردا تشکیل شود و باین کارخانه داده شود

نایب رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - عقیده بنده این است که آقایان نمایندگان از حالت طبیعی خارج نیستند بلکه برخلاف و در کمال سلامت عقل مشغول مطالعه و دادن رأی هستند و در این موضوع هم چند جلسه است که مجلس دارد مباحثه میکند و دیگر حسابی لازم ندارد.

نایب رئیس - رأی گرفته میشود بختم جلسه. آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (معدودی قیام کردند)

نایب رئیس - تصویب نشد. پیشنهادی است که مخبر کمیسیون و دولت قبول کرده اند وزیر عدلیه - آقا بخوانید.

(باین کیفیت خوانده شد)

حقوق رتبه های قضائی به ترتیب ذیل است.

رتبه اول پنجاه تومان - رتبه های بعد تا یازده حقوق رتبه مادون باضافه ربع و کسور هم به نفع دولت ضبط می شود.

نایب رئیس - رأی گرفته میشود باین پیشنهاد که دولت هم قبول کرده. آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (جمع کثیری قیام کردند)

نایب رئیس - اکثریت است. تبصره آقای بامداد خوانده میشود.

آقا سید یعقوب - به تبصره من رأی بگیرید

نایب رئیس - اینجاست تبصره است

آقا سید یعقوب - يك تبصره بنده پیشنهاد کرده ام و آقای مخبر کمیسیون هم قبول کرده خوب است قبل از این ماده بآن رأی بگیرید.

نایب رئیس - پیشنهاد کتباً باید باشد

مخبر - مقصود این بود که از اول تشکیلات محاسبات عدلیه جدید مطابق این اصل حقوق پرداخته شود.

آقا سید یعقوب - بنده پیشنهادم را کتباً تقدیم کرده ام و آقای مخبر هم قبول کرده اند.

نایب رئیس در خود لایحه کمیسیون تبصره نانی است که اول باید بآنها رأی گرفت. قرائت میشود (شرح ذیل خوانده شد)

تبصره يك - حقوق رتبه ده منحصرأ بسه نفر رؤسای شعب تمیز و معاون اول مدعی العمومی تمیز داده خواهد شد وزارت عدلیه نمی تواند در هیچ موقعی بیش از چهار نفر مستخدم رتبه ده دارا باشد.

نایب رئیس - رأی گرفته میشود به تبصره اول آقایانیکه موافقت قیام فرمایند جمعاً بر خاستند

نایب رئیس - تصویب شد. تبصره دوم.

(این طور خوانده شد)

تبصره ۲ حقوق رتبه یازده منحصرأ به رئیس دیوان عالی تمیز و مدعی العموم دیوان عالی تمیز داده خواهد شد و وزارت عدلیه در هیچ موقعی بیش از ده نفر رتبه یازده نخواهد داشت

نایب رئیس - رأی گرفته میشود، آقایانیکه با این تبصره موافقت قیام فرمایند.

(عده زیادی قیام کردند)

نایب رئیس - تصویب شد تبصره پیشنهادی آقای آقا سید یعقوب قرائت میشود

(بمضمون ذیل خوانده شد)

آقا سید یعقوب - مخبر قبول کردند.

نایب رئیس - آقای اعتبار

میرزا سید احمد خان اعتبار - عرضی ندارم.

نایب رئیس - رأی گرفته میشود باین تبصره. آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(جمعاً قیام کردند)

نایب رئیس - تصویب شد این تبصره سوم میشود تبصره پیشنهادی آقای بامداد.

(باین نهج خوانده شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم، قضائی که تا کنون اضافه بر این اصل مصوبه حقوق دریافت داشته اند تمام آن اضافات از باب حقوق آینده ایشان محسوب خواهد شد یکی از نمایندگان - استرداد کردند

نایب رئیس - (خطاب به آقای بامداد) پس گرفتید بامداد - بلی

آقا سید یعقوب - چون نظرشان تأمین شده بود از این جهت استرداد کردند.

نایب رئیس - پیشنهاد دیگر آقای بامداد است که نمیدانم باین ماده باید اضافه کرد یا بطور ماده الحاقیه باید نوشته شود. در هر صورت قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم

تبصره - وزارت عدلیه مکلف است نسبت به قضاة نیز اصولی برای امتحان قائل شود

نایب رئیس - آقای بامداد

بامداد - بنده خیلی میل داشتم که این تبصره ها

بماند برای جلسه دیگر چون مجلس قدری خسته شده ولی بنده برخلاف يك اشخاصی که يك حمله هائی به آقای وزیر عدلیه میکنند میخواهم انصاف بدم که ایشان در حد خودشان با وسائل موجوده حقیقتاً يك زحماتی کشیده اند و باید از هرجهت در مقابل این زحمات يك مكه هائی هم بایشان کرد. برای اینکه قوه قضائیه زیاد معطل نماند این کار باید زودتر بگذرد ایشان آمدند و يك اشخاصی را دعوت کردند برای قضاوت نظر ایشان از این دعوت قطعاً خیر المنظورین بود اما حالا معلوم نیست که این خیر المنظورین خیرالموجودین هم باشد اینها ناچار از آشنایان خودشان بوده اند و با از اشخاصی بعد شنیده اند که این ها خوبند. و قابل مقام قضاوتند. البته شکی نیست که مسئله قضاوت هم خیلی مهم است چنانچه در شرع مطهر هم راجع باین موضوع تعریضی است. میفرماید لايجلس فی هذه المجلس الا نبي او وصی و يك او دیگر. در دنیا هم همینطور است مدرس - آن مال جای دیگر است.

بامداد - دنیا هم خیلی باین مقام اهمیت میدهند بنده عرض میکنم هر يك از وزارتخانه ها با معدودی از اشخاص طرف هستند در صورتیکه عدلیه با تمام افراد مملکت طرف است و همه با او سرکار دارند. زیرا هر کسی که دارای این سه چیز شد: مال جان ناموس مجبور است با عدلیه سرکار داشته باشد و اختلافاتش بتوسط قضاة رفع شود از این جهت بنده معتقدم همانطور که در عدلیه نسبت باعضاء اداری امتحان قائل شده اند و ایشان را تحت امتحان در آورده اند و البته در نتیجه امتحان معلوم میشود که چه اشخاصی در خور مقام و لایق کار هستند و چه کسانی نیستند. نسبت بقضاة هم بنده خواهش میکنم مجلس امتحانی تشکیل بدهند و مطابق این تبصره از آنها امتحان کنند تا معلوم شود چه اشخاصی در خور این مرتبه و مقام مهم هستند اگر انشاء الله آنها از امتحان خوب بیرون آمدند که نعم المطلوب و اگر هم خوب بیرون

نیامدند بهتر این است که دیگری را جای او بگذارند. مخصوصاً باین مسئله مهمی که ما در جلو داریم که عبارت از الغاء کاپی تولاسیون و مطابق آن وعده که خودشان داده اند که يك عدلیه دنیا پسندی باید درست کنیم بهتر این است که اشخاص واقعاً صالح و در خور این مقام بکار قضاوت گمارده شوند و برای تأمین آن مقصود مقتضی است که قضاة تحت امتحان در آیند. حالا بنده این مسئله را به ایشان تذکر میدهم که این کار را نکنند محدود هم نکرده ام که همین فردا باشد. خیر هر وقت که خودشان مقتضی بدانند این کار را بکنند و این نیت خیر را انجام دهند.

وزیر عدلیه - بنده به نمایندۀ محترم و به تمام آقایان اطمینان میدهم که هیچیک از افرادی که به عدلیه آورده ام علاقه ندارم و هر وقت به بینم که يك کسی از عهدۀ کاری که باو محول است بر نیاید بدون ملاحظه او را بر میدارم و دیگری که بتواند بجای او میگذاریم البته برای این کار يك اصولی باید قائل شد. در کمیسیون عدلیه بنده خیال دارم يك ترتیبی برای این کار بدهم و يك زمینه که بنظرم رسیده پیشنهاد کنم و با توافق نظر اعضاء کمیسیون عدلیه این مقصود را تأمین کنم پس در اینجا این مسئله موردی ندارد. و در وقتش تأمین خواهد شد.

بامداد - خیلی خوب. با این وعد که میدهند بنده قانع شدم و پیشنهادم را مسترد میدارم
نایب رئیس - استرداد کردید.
بامداد - بلی

نایب رئیس - تبصره چهارم پیشنهادی آقای عدل (باین نهج خوانده شد)

پیشنهاد میکنم حقوقات رتبه ده و یازده ثابت و حد اکثر نخواهد داشت.

نایب رئیس - آقای عدل

عدل - عرض میشود در اینجا يك مذاکره شد و آقای احتشام زاده يك پیشنهادی دادند و جنجال شد و بالاخره بنده نفهمیدم مقصود ایشان بکجا رسید و تأمین شد یا نه؟ در تعیین حقوق بنده گمان میکنم نظر بحد اقل است. یعنی این که مجلس معین کرده به عقیده بنده گویا حد اقل است. حداکثر را همیشه قانون معین خواهد کرد، و چون بالاخره در اینجا حداقل و اکثر را معین نکردند خواستم بدانم که چه شد. چون اینکه حداقل و اکثر را معین کرده اندنی فلسفه نبوده و اساساً نظر قانون گذار این بوده که يك مستخدمی که سه سال در يك محلی خدمت کرده و مستحق ترفیع شده و چون جائی برای ترفیع او موجود نیست وزارت خانه متبوعه اش تشخیص میدهد که يك اضافه حقوقی درباره او معین کند چون يك محلی نبوده که مستخدم را ترفیع بدهند دولت قائل به اضافه حقوق درباره او میشود که همان حد اکثر است. در قضاة هم همینطور است يك قاضی که سه سال در يك رتبه خدمت کرده مستحق حد اکثر میشود. وقتی که در مرتبه بالاتر جائی برای او نیست البته يك اضافه باسم حداکثر باید باو داد و این نظری است که گمان میکنم اساسی باشد و همه آقایان هم با آن موافق باشند ولی نسبت رتبه ده و یازده بنده پیشنهاد کردم و معتقدم که دیگر حداکثر نباید داشته باشد و ثابت باشد و مجلس نباید حد اکثر برای آنها معین کند

وزیر عدلیه - بنده نمنا میکنم از آقا که این پیشنهاد را فعلا پس بگیرند زیرا این مسئله فعلا محل بحث نیست در این موضوع بعد بحث خواهیم کرد و موضوع را تمام می کنیم.

عدل - استرداد میکنم

نایب رئیس - در کلیات کسی مخالف نیست؟ (گفته شد خیر) چون خبر از کمیسیون بودجه است يك شوری است باید باورقه رای گرفته شود به مجموع این

لابحه با تبصره که اضافه شده آقایانیکه موافقت ورقه سفید و الا کمبود خواهند داد

(در این موقع جمعی از آقایان نمایندگان از مجلس خارج میشدند)

نایب رئیس آقایان تأمل بفرمایند.

(در این موقع اخذ و استخراج آراء بعمل آمده نتیجه اینطور حاصل شد)

ورقه سفید علامت قبول ۶۹ - ورقه کبود علامت رد دو

(اسامی آقایان موافقین)

آقایان - اعتبار - معظمی - نجومی - حاج آقا رضا رفیع - ملک ایرج میرزا - وکیلی طباطبائی سید کاظم - محمد تقی خان اسعد - وزیر - روحی - خوئی - مفتی - امیر اسدالله خان عامری - بالیزی - ملک آرائی - عدل - ابراهیمی - حشمتی - اسکندری میر ممتاز - فرشی - حقنویس - بحیبی خان زنگنه -

(مجلس یکساعت و نیم بعد از ظهر ختم شد)

جهانشاهی - دولتشاهی - دکتر لقمان - فهیمی - افشار دکتر طاهری - جلالی - محمود رضا - احتشامزاده -

حیدری - سیدحسین آقایان - خواجهوی - موقر - باسائی ایلخان - طباطبائی دینا - تقة الاسلامی - عراقی - لبقوانی

مولوی - فرمند - اسفندیاری - بدر - آقا زاده سبزواری سید جواد محقق - خطیبی - میرزا عبدالله خان وثوق

آیه الله زاده خراسانی - سلطان محمد خان عامری - محمد ولی میرزا - شریعت زاده افخمی - نکمیان - عصر انقلاب

اسکندر خان مقدم - عباس میرزا - ساکینیان - فرهمند بهمان - سید یعقوب - ملک مدنی - دکتر سنک - نوینخت -

کی استوان - عمادی

اسامی مخالفین - آقایان - سید ابراهیم ضیاء - فیروز آبادی

نایب رئیس - عدۀ حضار نود و دو با شصت و نه

رأی تصویب شد جلسه آتیہ روز یکشنبه سه ساعت و نیم قبل از ظهر دستور هم بودجه مملکتی

قانون

تعیین حقوق رتبه های قضائی

مصوب ۲۶ آذرماه یکهزار و سیصد و شش شمسی

ماده واحده - حقوق رتبه های قضائی بترتیب ذیل است .

رتبه اول پنجاه تومان

رتبه های بعد تا رتبه یازده . حقوق رتبه مادون باضافه ربع و کسور به نفع دولت ضبط میشود

تبصره ۱ - حقوق رتبه ده ۱۰ منحصرأ به سه نفر رؤساء شعب تمیز و معاون اول مدعی العموم تمیز داده

خواهد شد و وزارت عدلیه نمیتواند در هیچ موقعی بیش از چهار نفر رتبه ۱۰ دارا باشد .

تبصره ۲ - حقوق رتبه ۱۱ منحصرأ بر رئیس دیوان عالی تمیز و مدعی العموم دیوان عالی تمیز داده

خواهد شد و وزارت عدلیه در هیچ موقعی بیش از دو نفر رتبه ۱۱ نخواهد داشت .

تبصره ۳ - حقوق اشخاصیکه دارای رتبه قضائی هستند از اول تشکیلات جدید مطابق همین ماده واحده

محسوب خواهد شد .

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه بیست و ششم آذر ماه یکهزار و سیصد و شش شمسی بتصویب

رئیس مجلس شورای ملی : حسین پیرنیا

مجلس شورای ملی رسیده است